

آزمون اول (ادبیات عاشقانه)

- ۱- شاعر در دو بیت زیر، کدام ویژگی و صفت بارز را برای شخص گوینده، قایل است؟ (سراسری، هنر ۸۱)
- گر مرا زار به کشتن دهد آن یار عزیز / تا نگویی که در آن دم، غم جانم باشد
گویم از بنده‌ی مسکین چه گنه صادر شد / که دل آزرده شد از من، غم آنم باشد
(۱) بی‌پناه و ستم‌دیده (۲) خطاکار و شرمسار (۳) پاکباز و مخلص (۴) رستگار و نجات‌یافته
- ۲- مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر متفاوت است؟ (سراسری، زبان ۸۲)
- (۱) به عشق اندر صبوری خام‌کاری است / بنای عاشقی بر بی‌قراری است
(۲) امتحان کرده‌ایم و دانسته / به صبوری گشاده شد بسته
(۳) مستی و عاشقی‌بُرد ز دست / صبر ناید ز هیچ عاشق مست
(۴) صبوری از طریق عشق دور است / نباشد عاشق آن کس کاو صبور است
- ۳- بیت «نازپروردِ تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با همه‌ی بیت‌ها، به‌غیر از بیت نوعی ارتباط مفهومی دارد. (سراسری، انسانی ۸۴)
- (۱) همه سلامت نفس آرزو کند مردم / خلاف من که به جان می‌خرم بلایی را
(۲) به جان دوست که دشمن بدین رضا نهد / که در به روی بیندند آشنایی را
(۳) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر / به سر نکوفته باشد در سرایی را
(۴) اگر تو جور کنی رأی ما دگر نشود / هزار شکر بگویم هر جفایی را
- ۴- اندوه و حسرت نویسنده‌ی «بخارای من، ایل من» از دوری ایل و تبار و بی‌یلاق و بوی شبدر دوچین و صدای بلدرچین، از مفهوم کدام بیت دریافت نمی‌شود؟ (سراسری، هنر ۸۴)
- (۱) امروز خنده طرح به گلزار می‌دهد / آن روز شوم رفت که صائب ملال داشت
(۲) آن عهد یاد باد که از بام و در مرا / هر دم پیام یار و خط دلبر آمدی
(۳) آن خوش‌دلی کجا شد و آن دور کو که ما را / دیدار می‌نمودی هر روز یک دو باری
(۴) اکنون به دام صد غم و صد محنتم اسیر / آن مرغ خوش‌دلی که تو دیدی پرید و رفت
- ۵- مفهوم «غم» در بیت «دیدنی که مرا هیچ کسی یاد نکرد / جز غم که هزار آفرین بر غم باد» با کدام بیت متناسب نیست؟ (سراسری، تهرپی ۸۵)
- (۱) زین پنج روز عمر که چون برق و باد رفت / غم‌های بی‌شمار به این دلفگار ماند
(۲) جان بهر غم است و بی‌غم امکان نبود / هر جان که در او غم نبود جان نبود
(۳) شادم به روز غم که غم غمگسار گشت / که غم چو روی شادی عالم بدیده‌ام
(۴) غم را لطف لقب کن ز غم و درد طرب کن / هم از این خوب طلب کن فرج و امن و امان را

۶- بیت «بگفتا گر به سر یابیش خشنود؟ / بگفت از گردن این وام افکنم زود» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(سراسری، انسانی ۸۶)

- ۱) جان فدای شکر شیرین شورانگیز او / کز فراقش دست بر سر چون مگس باشد مرا
- ۲) در سر من نیست آلا وصل آن دلبر هوس / تا سرم بر جای باشد این هوس باشد مرا
- ۳) خواهم افکندن ز دست دل سر اندر پای دوست / گر ز من بپذیردش این فخر بس باشد مرا
- ۴) بر وصالش یک نفس گر دسترس باشد مرا / حاصل عمر عزیز آن یک نفس باشد مرا

۷- بیت: «آدمی چون تو در آفاق نشان نتوان داد / بلکه در جنت فردوس نباشد چو تو حور» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

(سراسری، زبان ۸۶)

- ۱) علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سایه‌ی هما را
- ۲) نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / م‌تخویم چه نامم شه‌ملک لافتی را
- ۳) چو درخت قامتش دید صبا به هم بر آمد / ز چمن نرست سروی، که ز بیخ برنکندش
- ۴) آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست / عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی

۸- در بیت زیر به همه‌ی مفاهیم به جز مفهوم اشاره شده‌است.

(سراسری، هنر ۸۶)

«منم چون شاخ تشنه در بهاران / تویی همچون هوای ابر و باران»

- ۱) نیاز عاشق به معشوق
- ۲) امیدواری به لطف معشوق
- ۳) عشق یک‌طرفه و بی‌وفایی معشوق
- ۴) تحلّ سختی‌ها و تلخی‌ها برای کامیابی

۹- بیت زیر با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

(سراسری، انسانی ۸۷)

«کوتاه‌نظر غافل از آن سرو بلند است / کاین جامه به اندازه‌ی هرکس نبریدند»

- ۱) کرم کاندر چوب زاییده است حال / کی بداند چوب را وقت نهال
- ۲) در سرم از عشق گل سودا بس است / زان که مطلوبم گل رعنا بس است
- ۳) طاقت سیم‌رغ نارد بلبلی / بلبلی را بس بود عشق گلی
- ۴) پشه کی داند که این باغ از کی است / کاو بهاران زاد و مرگش در دی است

۱۰- متن زیر با کدام بیت، تناسب مفهومی ندارد؟

(سراسری، تجربی ۸۷)

«چه چیز را دشوار پنهان می‌توان داشت؟ آتش را که در روز دودش از راز پنهان خبر می‌دهد و در شب شعله‌اش پرده‌داری می‌کند. عشق نیز چون آتش است که پنهان نمی‌ماند؛ زیرا هرچه عاشق در رازپوشی بکوشد، باز نگاه دو دیده‌اش از سرّ ضمیر خبر می‌دهد.»

- ۱) در سوخته پنهان نتوان داشتن آتش / ما هیچ نگفتیم و حکایت به در افتاد
- ۲) سعدی ز خلق چند پنهان راز دل کنی / چون ماجرای عشق تو یک‌یک به در افتاد
- ۳) پیرانه سرم عشق جوانی به سر افتاد / وان راز که در دل بنهفتم به در افتاد
- ۴) صاحب‌نظران این نفس گرم چو آتش / دانند که در خرمن من بیش‌تر افتاد

۱۱- بیت «در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید و السلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۷)

- ۱) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار / هرگز نبرد سوخته‌ای قصه به خامی
- ۲) پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی چند
- ۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد / کامروز آتش عشق، از وی نبرد خامی
- ۴) هر که در آتش نرفت بی‌خبر از سوز ماست / سوخته داند که چیست پختن سودای خام

۱۲- بیت «عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند» با همه‌ی بیت‌ها، به‌جز بیت.....

(سراسری، ریاضی ۸۷)

ارتباط معنایی دارد.

- ۱) دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت / نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت
- ۲) سعدی ز کمند خوب‌رویان / تا جان داری نمی‌توان جست
- ۳) عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت / به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
- ۴) دیر آمدی ای نگار سرمست / زودت ندهیم دامن از دست

۱۳- بیت «تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم» با کدام بیت، ارتباط

(سراسری، ریاضی ۸۷)

معنایی دارد؟

- ۱) به میخانه گهی مستم، ندانم پای از دستم / گهی بر صومعه با جبه و دستار می‌گردم
- ۲) از پای تا به سر همگی دیده‌ها شوید / حسن و جمال دلکش دلدار بنگرید
- ۳) ز اوصاف جمال او کنم تا نکته‌ای روشن / ز سر تا پا زبان باشم ز پا تا سر بیان گردم
- ۴) جنون عشق سراپای من گرفت از من / چنان که پای ز سر، سر ز تن نمی‌دانم

(سراسری، ریاضی ۸۸)

۱۴- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است در جریده‌ی عالم دوام ما
- ۲) مرگ آشامان ز عشقش زنده‌اند / دل ز جان و آب جان برکنده‌اند
- ۳) بی‌عشق مباش تا نباشی مرده / در عشق بمیر تا بمانی زنده
- ۴) عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف / چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود

۱۵- بیت «با من آمیزش او، الفت موج است و کنار / دم به دم با من و پیوسته گریزان از من» با کدام بیت

(سراسری، انسانی ۸۸)

تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱) بنای مهر نمودی که پایدار نماند / مرا به بند بیستی خود از کمند بجستی
- ۲) دیدار می‌نمایی و پرهیز می‌کنی / بازار خویش و آتش ما تیز می‌کنی
- ۳) بستی به مهر با دل من چند بار عهد / از تو نمی‌سزد که کنون عهد بشکنی
- ۴) خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود / ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

۱۶- مفهوم بیت «عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند» با کدام بیت تناسب دارد؟

(سراسری، فارغ از کشور ۸۸)

- ۱) تا به خوشی می‌وزد باد خوش نوبهار / جام می خوشگوار گر تو دهی خوشتر است
- ۲) حالت لب تشنه را خضر خبردار نیست / لذت لب تشنگی خاصه‌ی اسکندر است
- ۳) سرّ غم عشق را در دل اندوهناک / هرچه نهان می‌کنی از همه پیداتر است
- ۴) هم دل خسرو شکافت هم جگر کوهکن / کز همه زورآوران عشق تواناتر است

۱۷- همه ابیات به استثنای بیت با هم تناسب معنایی دارند.

(سراسری، ریاضی ۸۹)

- ۱) عمری گذشت در غم هجران روی دوست / مرغم درون آتش و ماهی برون آب
- ۲) چو شمع خنده نکردی مگر به روز سیاهم / چو بخت جلوه نکردی مگر ز موی سپیدم
- ۳) دل هیچ نیارآمد چون عشق بجنبد / در آتش سوزنده چه آرام توان یافت
- ۴) گر تو را هست شکیب از من و امکان فراغ / به وصالت که مرا طاقت هجران تو نیست

۱۸- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(سراسری، تهرپی ۸۹)

- ۱) روان تشنه برآساید از وجود فرات / مرا فرات ز سر برگذشت و تشنه‌ترم
- ۲) به خاک پای تو داند که تا سرم نروم / ز سر بدر نرود همچنان امید وصال
- ۳) گفتم بینمش مگرم درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم
- ۴) گفتم مگر به وصل رهایی بود ز عشق / بی‌حاصل است خوردن مستسقی آب را

۱۹- مفهوم بیت «سعدی از سرزنش غیر نترسد هیهات / غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را» در کدام

(سراسری، تهرپی ۸۹)

گزینه، آمده‌است؟

- ۱) گو خلق بدانند که من رندم و سوا / از رندی و بدنامی خود عار ندارم
- ۲) بلبل از گل بگذرد چون در چمن بیند مرا / بت‌پرستی کی کند گر برهمن بیند مرا
- ۳) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را / دزد دانا می‌کشد اهل چراغ خانه را
- ۴) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد / دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

۲۰- بیت «لعل را گرمهر نبود باک نیست / عشق را دریای غم غمناک نیست.» با همهی ابیات به جز بیت

(سراسری، زبان ۸۹)

..... متناسب است.

- ۱) بر چهره‌ی وصفش چه محل زیور تقریر / دریاب که حاجت به بیان نیست عیان را
- ۲) مشاطه‌ی تو جلوه‌ی ناز ای پسر بُود / طاووس را چه حاجت مشاطه گر بُود
- ۳) تا تو رفتی ز کنارم به نظرها خوارم / بشکند قیمت خاتم چو نگین برخیزد
- ۴) هیچ است گنج عالم اگر هست دل غنی / دل چون توانگر است به دنیا چه حاجت است

۲۱- بیت «بگفتا گر نیابی سوی او راه / بگفت از دور شاید دید در ماه» با همه ی ابیات به جز بیت تناسب دارد.

(سراسری، زبان ۸۹)

- ۱) گرچه در چشم تو مقدار ندارم لیکن / اینقدر هست که درویش سر کوی توام
- ۲) گر بر ندارم از سر زلف تو دست شوق / عییم مکن که تازه به دولت رسیده‌ایم
- ۳) گر نشاید به دوست ره بردن / شرط یاری است در طلب مردن
- ۴) گر دست رسد که آستینش گیرم / و نه بروم بر آستانش میرم

۲۲- مضمون عبارت «هر چه عاشق در رازداری بکوشد، باز نگاه دو دیده‌اش از سرّ ضمیر خبر می‌دهد» با کدام بیت تناسب بیش‌تری دارد؟

(سراسری، زبان ۸۹)

- ۱) تو را صبا و مرا آب دیده شد غمّز / وگر نه عاشق و معشوق رازدارانند
- ۲) گفتم به دلّی زرق بیوشم نشان عشق / غمّز بود اشک و عیان کرد راز من
- ۳) اشک غمّز من از سرخ برآمد چه عجب؟ / خجل از کرده‌ی خود پرده‌دری نیست که نیست
- ۴) مستوری و عاشقی به هم ناید راست / گر پرده نخواهی که درد دیده بدوز

۲۳- مفهوم بیت «صبح امید که بد معتكف پرده‌ی غیب / گو برون آی که کار شب تار آخر شد» با کدام بیت تناسب دارد؟

(آزاد ۷۸)

- ۱) امید بسته آمد، ولی چه فایده ز آنک / امید نیست که عمر گذشته باز آید
- ۲) امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان
- ۳) حجاب چهره‌ی جان می‌شود غبار تنم / خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
- ۴) بعد نومیدی بسی امیدهاست / از پس ظلمت، دوصد خورشیدهاست

۲۴- بیت «اگر در دیده‌ی مجنون نشینی / به غیر از خوبی لیلی نبینی» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(آزاد ۸۱)

- ۱) من عاشقم و دلم بدو گشته تباه / عاشق نبود ز عیب معشوق آگاه
- ۲) همه مهری ز نادیدن بکاهد / اگر دیده نبیند دل نخواهد
- ۳) چو بر دل چیره گردد مهر جانان / به از دوری نباشد هیچ درمان
- ۴) ظاهربینان که دم زنند از یاری / زنه‌ار که یار خویششان نشماری

۲۵- مفهوم بیت «عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بیسندید باید ناپسند» را در کدام گزینه می‌یابید؟

(آزاد ۸۳)

- ۱) جمال کعبه چنان می‌کشاندم به نشاط / که خارهای مگیلان حریر می‌آید
- ۲) عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند
- ۳) چه دارد جهان جز دل و مهر یار / مگر توده‌هایی ز پندارها
- ۴) یک رنگی و بوی تازه از عشق بگیر / پرسوزترین گدازه از عشق بگیر

۲۶- همه‌ی ابیات به‌جز بیت با بیت زیر، ارتباط معنایی دارند.

(تعاونی سنهش، ۸۶-۸۵)

«آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویش / وان سر وصل تو دارد که نباشد غم جانش»

- ۱) گر نخفتد عاشقی جز در کفن / عاشقش گویم ولی بر خویشتن
- ۲) وصال جان جهان یافتن حرامش باد / که التفات بود بر جهان و بر جانش
- ۳) در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم / بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
- ۴) سعدیا هر که ندارد سر جان افشانی / مرد آن نیست که در حلقه‌ی عشاق آید

۲۷- همه‌ی بیت‌های زیر، به‌غیر از بیت، با یک‌دیگر ارتباط معنایی دارند.

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

- ۱) نه همین می‌رمد آن نوگل خندان از من / می‌کشد خار در این بادیه دامان از من
- ۲) با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که «شهیدان که‌اند این همه گلگون کفنان؟»
- ۳) لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون / خاک مستوره‌ی قلب بشر آورده برون
- ۴) یا خون شهیدی است که جوشد ز دل خاک / هر جا که در آغوش صبا غنچه‌ی وردی است

۲۸- در کدام بیت مفهوم واژه‌ی «غم» با سایر ابیات متفاوت است؟

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

- ۱) گر نه کاشانه‌ی دل خلوت خاص غم توست / پس چرا مهر تو را بر در این خانه زدند
- ۲) عاشق روی جوانی خوش و نوخاسته‌ام / وز خدا دولت این غم به دعا خواسته‌ام
- ۳) غیر غم حاصل ندیدم ز آشنایی‌های تو / وین غم دیگر که از بیگانگان می‌دانیم
- ۴) ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق / برو ای خواجه‌ی عاقل هنری بهتر از این

۲۹- مفهوم بیت «دل هر که صید کردی نکشد سر از کمندت / نه دگر امید دارد که رها شود ز بندت» با کدام

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

بیت متناسب نیست؟

- ۱) عشق او باز اندر آوردم به بند / کوشش بسیار نامد سودمند
- ۲) توسنی کردم ندانستم همی / کز کشیدن تنگ‌تر گردد کمند
- ۳) گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم
- ۴) او را خود التفات نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم

۳۰- مفهوم بیت «از پی هر شکست پیروزی است / از دل شب، سپیده می‌آید» از همه‌ی ابیات به‌جز بیت

(تعاونی سنهش، ۸۹-۸۸)

دریافت می‌شود.

- ۱) شاد بدانم که چو بندد دری / ایزدبان باز گشاید دگر
- ۲) چو دستت می‌دهد امروز کشتی / بکن کز وی به فردا در بهشتی
- ۳) آن چه دیدی برقرار خود نماند / و آن چه بینی هم نماند برقرار
- ۴) از آن زمان که فکند چرخ را بنیاد / دری نیست زمانه که دیگری نگشاد

آزمون دوم (ادبیات عارفانه)

۱- کدام گزینه با متن «درویشی را دوست داشت و تا آن‌جا که انسان را از منزلت عالی انسانی فرونیندازد و به دريوژگی و بيکارگی سوق ندهد، آن را مایه‌ی سبک‌باری و تعالی روح می‌یافت. درست است که مجرد درویشی در نزد او موجب نیل به حق نمی‌شد. باری چون با تسلیم به طریقت، پای روح از دام تعلق خاک می‌رهد، مانعی برای پروازش نمی‌ماند.» تناسب معنایی ندارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۱)

۱) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است / خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

۲) به پادشاهی عالم فرونیارد سر / اگر ز سر قناعت، خبر شود درویش

۳) پرسش حافظ دل سوخته کن بهر خدا / نیست از شاه عجب گر بنوازد درویش

۴) دولت فقر، خدایا به من ارزانی دار / کاین کرامت، سبب حشمت و تمکین من است

۲- عبارت «به بهشت و حور چه نازم، مرا دیده‌ای ده که از هر نظر بهشتی سازم.» با کدام عبارت ارتباط معنایی دارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۲)

۱) بکوش که عظمت در نگاه تو باشد، نه چیزی که به آن می‌نگری.

۲) به هر کجا که بروی، جز خدا چیزی را دیدار نمی‌توان کرد.

۳) اعمال ما به ما وابسته است، هم‌چنان که درخشندگی به فسفر.

۴) دریغا نمی‌دانیم هم‌چنان که در انتظار او به سر می‌بریم، به کدام درگاه نیاز آوریم.

۳- مفهوم کدام بیت با بیت «ز کثرت جان خرم را غم و اندوه می‌زاید / به وحدت آی تا خود را همیشه شادمان

(سراسری، زبان ۸۳)

بینی.» تناسب دارد؟

۱) پا به راه طلب نه از ره عشق / بهر این راه توشه‌ای بردار

۲) چشم بگشا به گلستان و بین / جلوه‌ی آب صاف در گل و خار

۳) تا به جایی رسی که می‌نرسد / پای اوهام و پایه‌ی افکار

۴) شمع جوئی و آفتاب بلند / روز بس روشن و تو در شب تار

۴- مفهوم بیت «دست درکش کرد با آتش به هم / خویشان گم کرد با او خوش به هم» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۴)

۱) بدان مقام رسید اتحاد من با دوست / که بازمی‌شناسم که این منم یا دوست

۲) ز حد گذشت جدایی میان ما ای دوست / بیا بیا که غلام توام بیا ای دوست

۳) مرا رضای تو باید نه زندگانی خویش / اگر مراد تو قتل است و ارهان ای دوست

۴) دلی شکسته و جانی نهاده برکف دست / بگو بیار که گویم بگیر هان ای دوست

(سراسری، ریاضی ۸۴)

۵- از این سخن حلاج خطاب به جنید، کدام مطلب دریافت می‌شود؟

«آن روز که من سر چوب پاره سرخ کنم، تو جامه‌ی اهل صورت پوشی.»

۱) تقابل عرفا و متشرعان

۲) معراج مردان سردار است

۳) تأیید عقاید عرفانی از نظر علما

۴) التفات به سیرت نیکو و اعراض از صورت زیبا

۶- عبارت «مولانا می‌پندارد که این ناله در درون همه‌ی موجودات هست و اگر عنایت یا جذبه‌ی پروردگار در

(سراسری، انسانی ۸۴)

آن‌ها بدمد، همه می‌نالند.» با کدام بیت، قرابت معنایی دارد؟

- ۱) امید تو بیرون برد از دل همه‌امیدی / سودای تو خالی کرد از سر همه سودایی
- ۲) هرکس به تمنّایی رفتند به صحرائی / ما را که تو منظوری خاطر نرود جایی
- ۳) ای باده فروش من، سرمایه‌ی جوش من / از توست خروش من، من نایم و تو نایی
- ۴) یا چشم نمی‌بیند یا راه نمی‌داند / هرکاو به وجود خود دارد ز تو پروایی

۷- مفهوم دو بیت «دو قدم بیش نیست این همه راه / راه نزدیک شد سخن کوتاه

(سراسری، ریاضی ۸۵)

یک قدم بر سر وجود نهی / وان دگر در بر و دود نهی» با کدام بیت متناسب است؟

- ۱) دریغا که از ماهرویان ندیدم / به جز بی‌وفایی و نامهربانی
- ۲) کسی داند احوال پیران عشقش / که پیرانه‌سر کرده باشد جوانی
- ۳) نشان خواهی از وی، ز خود بی‌نشان شو / که من زو نشان‌جُستم از بی‌نشانی
- ۴) ز چشمی است چشم امیدم که هرگز / به کس ننگرد از ره سرگرانی

۸- مفهوم بیت «خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان / کی کند اینجا مقام مرغ کز آن بحر خاست» با کدام

(سراسری، تهرپی ۸۵)

بیت متناسب نیست؟

- ۱) صبحدم چون کله بندد آه دودآسای من / چون شفق در خون نشیند چشم خون پالای من
- ۲) دلا تا کی در این زندان، فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی
- ۳) بلبل گلشن قدسم شده از جور فلک / بی‌گنه بسته‌ی زندان و گرفتار قفس
- ۴) باز خواهیم به سوی مسکن عقبی رفتن / چه کنم گلخن دنیا پس از اینم بس و بس

۹- در تمام ابیات به جز بیت به عدم وابستگی به تعلّقات دنیایی اشاره شده‌است. (سراسری، ریاضی ۸۶)

- ۱) پیش صاحب‌نظران ملک سلیمان باد است / بلکه آن است سلیمان که ز ملک آزاد است
- ۲) نه هر درخت تحلی کند جفای خزان / غلام همت سرورم که این قدم دارد
- ۳) غلام همت آنم که زیر چرخ کبود / ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
- ۴) زیر بارند درختان که تعلق دارند / ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

۱۰- بیت «چون شبنم اوفتاده‌بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عوق برشدم» با کدام یک از ابیات

(سراسری، هنر ۸۶)

زیر، ارتباط مفهومی دارد؟

- ۱) چون که فتادم ز فلک ذره‌صفت لرزانم / ایمن و بی‌لرز شوم چون که به پایان برسم
- ۲) آن دل آواره‌ی من، گر ز سفر باز رسد / خانه تهی یابد او، هیچ نبیند اثرم
- ۳) چون که تو دست شفقت بر سر ما داشته‌ای / نیست عجب گر ز شرف بگذرد از چرخ سرم
- ۴) چرخ بود جای شرف، خاک بود جای تلف / باز رهم زین دو خطر چون بر سلطان برسم

۱۱ - مفهوم کدام بیت، عبارت «هرگز در این جهان چیزی ندیده‌ام که حتی اندکی زیبا باشد؛ مگر آن که فوراً آرزو کرده‌ام تا همه‌ی مهر من آن را در برگیرد.» را نقض می‌کند؟

(سراسری، انسانی ۸۶)

- ۱) چون نیست هیچ کس که به فریاد من رسد / خود رقص می‌کنم چو سپند از نوای خویش
- ۲) گل آن چنان فریفته‌ی حسن خود شده است / کز شبنم است آینه‌ی دایم برابرش
- ۳) تمیز نیک و بد روزگار، کار تو نیست / چو چشم آینه، در خوب و زشت، حیران باش
- ۴) ز خارزار تعلق، کشیده دامن باش / به هر چه می‌کشدت دل، از آن گریزان باش

۱۲ - مفهوم حدیث «موتوا قبل ان تموتوا» با همه‌ی ابیات به جز بیت ارتباط معنایی دارد. (سراسری، انسانی ۸۷)

- ۱) شرط روز بعث، اول مردن است / ز آن که بعث از مرده زنده کردن است
- ۲) اگر پیش از اجل یک دم بمیری / در آن یک دم دو عالم را بگیری
- ۳) ای برادر چو عاقبت خاک است / خاک شو پیش از آن که خاک شوی
- ۴) دلم ببردی جان هم بیر که مرگ به است / ز زندگانی اندر شماتت دشمن

۱۳ - بیت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

(سراسری، انسانی ۸۷)

«حدیث روضه‌نگویم، گل بهشت نبویم / جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم»

- ۱) اگر به جان و جهانم دهد رضای تو دست / به ترک هر دو به دست آورم رضای تو را
- ۲) سزد اگر ندهد مهر دیگری در دل / که کس به غیر تو شایسته نیست جای تو را
- ۳) کلید هشت بهشت ار به من دهد رضوان / نه مردم ار بگذارم در سرای تو را
- ۴) به بهشتی نتوان رفت که رضوانی هست / نهنم پای در آن خانه که درباری هست

۱۴ - کدام بیت به مفهوم عبارت زیر اشاره ندارد؟

(سراسری، زبان ۸۷)

«عادت کرده‌بود که همه چیز را گذران و همه‌ی احوال عالم را در معرض تبئل تلقی کند؛ از این‌رو از هیچ

پیشامد جالبی زیاده اظهار شادمانی نمی‌کرد و از هیچ حادثه‌ی سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد.»

- ۱) چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است / چو بر صحیفه‌ی هستی رقم نخواهد ماند
- ۲) دنیی آن قدر ندارد که بر او رشک برند / یا وجود و عدمش را غم بیهوده خورند
- ۳) نام حافظ رقم نیک پذیرفت ولی / پیش رندان رقم سود و زیان این همه نیست
- ۴) شکایت گفتن سعدی مگر باد است نزدیکت / که او چون رعد می‌نالد تو همچون برق می‌خندی

۱۵ - بیت «به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم / به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم» با کدام بیت

(سراسری، هنر ۸۸)

قرباب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) خواب مرگم باد اگر دور از تو خوابم آرزوست / خون خورم بی چشم مستت گر شرابم آرزوست
- ۲) هزار سال پس از مرگ من چو باز آیی / ز خاک نعره برآرم که مرحبا ای دوست!
- ۳) در قیامت چو سر از خاک لحد بردارم / گرد سودای تو بر دامن جانم باشد
- ۴) ور بدانم به در مرگ که حشرم با توست / از لحد رقص کنان تا به قیامت بروم

۱۶- بیت «گر خمر بهشت است، بریزید که بی دوست / هر شربت عذیم که دهی عین عذاب است»، با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

(سراسری، تهرپی ۸۸)

- ۱) حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم / جمال حور نجویم، دوان به سوی تو باشم
- ۲) گرم با صالحان بی دوست فردا در بهشت آرند / همان بهتر که در دوزخ برندم با گنهکاران
- ۳) می بهشت نوشم ز دست ساقی رضوان / مرا به باده چه حاجت که مست بوی تو باشم
- ۴) دو چشم مست میگونت ربود آرام هشیاران / دو خواب آلوده بر بودند عقل از دست بیداران

۱۷- مفهوم بیت «سرم به دنیی و عقبی فرو نمی آید / تبارک الله ازین فتنه‌ها که در سر ماست» با کدام بیت تناسب دارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۸)

- ۱) جد و جهدی به کار می‌باید / هر که را وصل یار می‌باید
- ۲) عاشق که شد که یار به رویش نظر نکرد / ای خواجه درد نیست و گر نه طیب هست
- ۳) زده‌ی پشت پای همت اوست / هر چه الیم خشک و تر دارد
- ۴) سؤال کردم گل را که بر که می‌خندی / جواب داد که بر عاشقان بی‌دینار

(سراسری، خارج از کشور ۸۸)

۱۸- کدام بیت به مفهوم بیت زیر اشاره دارد؟

«حافظ به خود نپوشید این خرّقه‌ی می‌آلود / ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را»

- ۱) زلف دلدار چو زَنار همی فرماید / برو ای شیخ که شد بر تن ما خرّقه حرام
- ۲) می بده تا دهمت آگهی از سرّ قضا / که به روی که شدم عاشق و از بوی که مست
- ۳) گرچه با دلق ملّح (رنگارنگ) می گلگون عیب است / مکنم عیب کزو رنگ ریا می‌شویم
- ۴) داشتم دلقی و صد عیب مرا می‌پوشید / خرّقه رهن می و مطرب شد و زَنار بماند

۱۹- مفهوم عبارت «اگر خواهی که به ما رسی، خود را بر در بگذار و در آی.»، در کدام بیت آمده‌است؟

(سراسری، خارج از کشور ۸۸)

- ۱) گر از میدان شهوانی سوی ایوان عقل آیی / چو کیوان در زمان، خود را به هفتم آسمان بینی
- ۲) اگر صد قرن از این عالم بیویی سوی آن بالا / چو دیگر سالکان خود را هم اندر نردبان بینی
- ۳) اگر در باغ عشق آیی همه فراش دل یابی / اگر در راه دین آیی همه نقّاش جان بینی
- ۴) اگر صد بار در روزی شهید راه حق گردی / هم از گبران یکی باشی چو خود را در میان بینی

(سراسری، تهرپی ۸۹)

۲۰- همهی ابیات به استثنای بیت ... با هم تناسب معنایی دارد.

- ۱) عشق دریایی کرانه ناپدید / کی توان کردن شنا ای هوشمند
- ۲) بر هوشمند سلسله نهاد دست عشق / خواهی که زلف یار کشی ترک هوش کن.
- ۳) پرستش به مستی است در کیش مهر / برون اند زین جرگه هشیارها
- ۴) عاشقان را چو طلب باشد وقوت نبود / گر تو بیداد کنی شرط مرّت نبود

(سراسری، هنر ۸۹)

۲۱- از مفهوم کدام بیت مرتبه‌ی فنای عرفانی استنباط می‌شود؟

- ۱) بقا دوستان را فنا عاشقان را / من آن عاشقم کز بقا می‌گریزم
- ۲) بر لب بحر فنا منتظریم ای ساقی / فرصتی دان که ز لب تا به دهان این همه نیست
- ۳) جهان فانی و باقی فدای شاهد و ساقی / که سلطانی عالم را طفیل عشق می‌بینم
- ۴) مرا امید وصال تو زنده می‌دارد / و گر نه هر دم از هجر توست بیم هلاک

(سراسری، زبان ۸۹)

۲۲- مفهوم کدام بیت با بیت زیر، متفاوت است؟

«آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر / از میان جمله او دارد خبر»

- ۱) تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتم / با وجودش ز من آواز نیاید که منم
- ۲) دانی که خبر ز عشق دارد؟ / آن کز همه عالمش خبر نیست
- ۳) سعدی از بارگاه قربت دوست / تا خبر یافته است بی‌خبر است
- ۴) ای عشق شوخ بوالعجب آورده جان را در طرب / آری درآ هر نیمه شب بر جان مست بی‌خبر

۲۳- بیت «به مجمعی که درآیند شاهدان دو عالم / نظر به سوی تو دارم غلام روی تو باشم» با کدام گزینه

(تعاونی سنه ۸۶-۸۵)

ارتباط معنایی بیش‌تری دارد؟

- ۱) مرا به کار جهان هرگز التفات نبود / رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست
- ۲) اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد / گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست
- ۳) در اندرون من خسته‌دل ندانم کیست / که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
- ۴) سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید / تبارک الله از این فتنه‌ها که در سر ماست

(تعاونی سنه ۸۹-۸۸)

۲۴- مفهوم همه‌ی ابیات به‌جز بیت یکسان است.

- ۱) به صوت خوش چو حیوان است مایل / ز حیوان کم نشاید بودن ای دل
- ۲) شتر را چو شور و طرب در سر است / اگر آدمی را نباشد خر است
- ۳) اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را کژطبع جانوری
- ۴) اشتر و استر فزون کردن سزاوار است اگر / بار عصیان تو را بر اشتر و استر برند

۲۵- مفهوم بیت: «حدیث روضه‌نگویم گل بهشت نبویم / جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم» با همه‌ی

(تعاونی سنه ۸۹-۸۸)

ابیات به‌جز بیت متناسب است.

- ۱) گر فضل خدای ما به جنبش جا دهد ما را / به عشق او دهیم از جان و دل فردوس اعلا را
- ۲) طوبی و سدره گر به قیامت به من دهند / یک جا فدای قامت رعنا کنم تو را
- ۳) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی / دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
- ۴) ور عاقبت این چشم من محروم خواهد ماندن / تا کور گردد آن بصر کو نیست لایق دوست را

آزمون سوم (ادبیات تعلیمی)

- ۱- حکایت زیر، با کدام گزینه، تناسب معنایی دارد؟
 «یکی از حکما را شنیدم که می‌گفت هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده‌است، مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، هم‌چنان ناتمام گفته، سخن آغاز کند.»
- (۱) بسیج سخن گفتن آن گاه کن / که دانی که در کار گیرد سخن
 (۲) ندهد مرد هوشمند، جواب / مگر آن‌که کز او سؤال کنند
 (۳) سخن را سر است ای خردمند و بن / میاور سخن در میان سخن
 (۴) در سخن با دوستان، آهسته باش / تا ندارد دشمن خونخوار، گوش
- ۲- مفهوم بیت «ز یزدان دان، نه از ارکان که کوله‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی»
 با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
 (۱) که حق مهربان است بر دادگر / ببخشای و بخشایش حق نگر
 (۲) چنان است در مهتری شرط زیست / که هر کهتری را بدانی که کیست
 (۳) شنیدم که در روز امید و بیم / بدان را به نیکان ببخشد کریم
 (۴) چه اندیشی از خود که فعلم نکوست / از آن در نگه کن که توفیق اوست
- ۳- مفهوم کدام بیت با عبارت «اصحبت‌امیراً و امسیث‌اسیراً» متناسب است؟
 (۱) مژده ای دل که دگر باد صبا باز آمد / هُدُده خوش‌خبر از طرف سبا باز آمد
 (۲) شد اوج وصل بر من مسکین، حُضیض هجر / دیشب سپهر بوم و امشب زمین شدم
 (۳) نگارا بر سر کویت دلم را هیچ اگر بینی / ز من دل‌خسته یادآور شبت خوش باد من رفتم
 (۴) ناامید از روشنی ای دل به تاریکی مباش / زان که شام هجر را صبح وصالی در پی است
- ۴- عبارت «درگیری داریم در تنازع بقا را، در سلوک راه کمال، انحراف از خط سیر روحانی و امری خلاف شأن انسانی تلقی می‌کرد. حتی به کسانی که با او ستیهندگی می‌کردند، جز به ندرت و در احوالی بسیار محدود، همواره طریق سلم و دوستی می‌سپرد.» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟
 (۱) چرب و نرمی با عدو ناید که شدت به کار / آهن سرد است نتوانی به گوهر کوفتن
 (۲) تلخ از آن منطق شیرین چو شکر نوش کنم / زان که دشنام که محبوب دهد عین دعاست
 (۳) دشنام خلق را ندهم جز دعا جواب / ابرم که تلخ گیرم و شیرین عوض دهم
 (۴) محتاج کس نه‌ایم و نداریم غم ز کس / گر لطف می‌کند و گرم قهر فارغیم

۵- بیت: «در پس آزادگان به هیچ طریقی / پیش کسان بد مگو که نیک نباشد» با مفهوم کدام بیت تناسب بیش‌تر دارد؟

(سراسری، ریاضی ۸۳)

- ۱) از آن مرد دانا دهان‌دوخته‌ست / که بیند که شمع از زبان سوخته‌ست
- ۲) چرا گوید آن چیز در خفیه مرد / که گر فاش گردد شود روی زرد
- ۳) صد انداختی تیر و هر صد خطاست / اگر هوشمندی یک انداز و راست
- ۴) کم‌آواز هرگز نبینی خجل / جوی مشک بهتر که یک توده گل

۶- مفهوم هم‌ای ابیات به‌جز بیت دعوت به ابداع و نوآوری و پرهیز از تقلید نابه‌جا است.

(سراسری، ریاضی ۸۴)

- ۱) مشو مقید همراه اگرچه توفیق است / که از جریده‌روی کار مهر بالا رفت
- ۲) در پس آینه طوطی صفت‌م ساخته‌اند / آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم
- ۳) خواه بد و خواه نیک هرچه کنی تازه کن / تن به تتبع مده مخترع کار باش
- ۴) از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال / هر که گردد خم‌نشین باید که افلاطون شود

۷- در عبارت «شَرُّ الْعُلَمَاءِ مَنْ زَارَ الْأَمْرَاءَ وَ خَيْرُ الْأَمْرَاءِ مَنْ زَارَ الْعُلَمَاءَ» بر کدام مفهوم تأکید شده‌است؟

- ۱) بیزاری متقابل علما و حکام از یکدیگر
- ۲) برتری جایگاه علم بر مقامات دنیوی (سراسری، تجربی ۸۴)
- ۳) ارتباط جدایی‌ناپذیر علم و سیاست
- ۴) جایگاه والای امرا در دستگاه‌های حکومتی

۸- بیت «کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی‌بردش تا به سوی دانه و دام» با مفهوم کدام بیت متناسب نیست؟

(سراسری، تجربی ۸۴)

- ۱) نوشته، جاودان دیگر نگردد / به رنج و کوشش از ما برنگردد
- ۲) ز چرخ آمد همه چیزی نوشته / نوشته با روان ما سرشته
- ۳) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم / چرا که از همه عالم، محبت تو گزیدم
- ۴) ز چرخ آمد قضا نز کام مردم / ازیرا بنده آمد نام مردم

۹- شاعر در کدام بیت از کسانی که ناکامی‌های خود را از فلک و ستاره و سرنوشت می‌دانند، انتقاد می‌کند؟

(سراسری، انسانی ۸۴)

- ۱) دهرنکوهی مکن ای نیکمرد / دهر به جای من و تو بد نکرد
- ۲) دشمن توست ای پسر این روزگار / نیست به تو در طمعش جز به جان
- ۳) دهر بدگوهر به شرّ آبستن است / جز بلا هرگز نژاد این حامله
- ۴) چرخ گویی دکان قصابی است / کز سحر تیغ خون‌فشان برخاست

۱۰- ضرب‌المثل «فؤره چون بلند شود سرنگون شود.» با مفهوم کدام بیت منطبق است؟

(سراسری، هنر ۸۴)

- ۱) به مرگ محتسب کم خور دلا غم / به مقدار مصیبت جامه زن چاک
- ۲) پیش اهل کمال نقصان است / شاد و غمگین ز بیش و کم بودن
- ۳) منتهای کمال نقصان است / گل بریزد به وقت سیرابی
- ۴) به کم خوردن کسی را تب نگیرد / ز پر خوردن به روزی صد بمیرد

۱۱- بیت «زی تیر نگه کرد و پر خویش در آن دید / گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست» با مفهوم کدام بیت متناسب نیست؟

(سراسری، زبان ۸۴)

- ۱) از درد بر آینه‌ی دل گرد ندارم / دارم گله از چشم خود از درد ندارم
- ۲) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ / بیگانه نکرد آنچه دل خویش به من کرد
- ۳) سفینه می‌رود این سعی ناخدا عبث است / چو عمر می‌گذرد ما چرا شتاب کنیم
- ۴) اگر شادی است ما را، گر غم، از ماست / که بر ما هرچه می‌آید هم از ماست

۱۲- عبارت «حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند.» با همهی ابیات به‌جز بیت قرابت معنایی دارد.

(سراسری، ریاضی ۸۵)

- ۱) بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم‌صحبت بد جدایی، جدایی
- ۲) به هجران مرا سهل شد دادنِ جان / که سخت است دوری ز یاران جانی
- ۳) مصاحب نباید مگر بهر راحت / چو زو رنج بینی نیاید به کاری
- ۴) ز ناجنس بگریز اگر آفتاب است / تو را سایه خود بس، اگر یار خواهی

۱۳- عبارت «بوسه‌ل مردی امام‌زاده و محتشم و فاضل و ادیب بود انا شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکد شده- و لا تبدیل لخلق الله- و با آن شرارت دل‌سوزی نداشت.» با مفهوم کدام گزینه متناسب ندارد؟

(سراسری، تهرپی ۸۵)

- ۱) زمین شوره سنبل بر نیارد / در او تخم عمل ضایع مگردان
- ۲) سگ اصحاب کهف روزی چند / پی‌نیکان گرفت و مردم شد
- ۳) عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود / گرچه با آدمی بزرگ شود
- ۴) هر که بدخو بود گه زادن / هم بر آن است وقت جان دادن

۱۴- اتکای به نفس و خودباوری و زدودن رنگ‌های قومیت و افتخار به اصالت خانوادگی در کدام بیت مشهود نیست؟

(سراسری، ریاضی ۸۵)

- ۱) گرد نام پدر چه می‌گرددی / پدر خویش باش اگر مردی
- ۲) پارسا باش و نسبت از خود کن / پارسازادگی ادب نبود
- ۳) هنر کی بود تا نباشد گهر / نژاده کسی دیده‌ای بی‌هنر
- ۴) هنر بنمای اگر داری نه گوهر / گل از خار است و ابراهیم از آزر

۱۵- بیت «وانگردد از ره آن تیر ای پسر / بند باید کرد سیلی را ز سر» با همهی ابیات به‌جز بیت متناسب معنایی دارد.

(سراسری، انسانی ۸۶)

- ۱) صیّد نه هر بار شکاری گیرد / افتد که یکی روز پلنگش بدرد
- ۲) سر چشمه شاید گرفتن به بیل / چوپر شد نشاید گذشتن به پیل
- ۳) بکش آتش خرد پیش از گزند / که گیتی بسوزد چو گردد بلند
- ۴) وقت هر چیز نگهدار که نافع نبود / نوشدارو که پس از مرگ به سهراب دهند

۱۶- بیت «ثوابت باشد ای دارای خرمن / اگر رحمی کنی بر خوشه‌چینی» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

(سراسری، تهرنی ۸۷)

- ۱) خواهی که خدای بر تو بخشد / با خلق خدای کن نکویی
- ۲) بزرگی بایدت بخشندگی کن / که تا دانه نیفشانی نروید
- ۳) گوشه‌ی چشمی به سوی من نداری، گویا / خرمن حسن تو دارد خوشه‌چین تازه‌ای
- ۴) حاصل نشود رضای سلطان / تا خاطر بندگان نجویی

(سراسری، ریاضی ۸۷)

۱۷- از مفهوم کدام بیت، حکم «کار را به کاردان بسپارید» دریافت نمی‌شود؟

- ۱) مرسفها را به هیچ کار مده دست / کز سفها شد پدید این همه خذلان
- ۲) نبرد پیش مصاف آزموده معلوم است / چنان که مسأله‌ی شرع پیش دانشمند
- ۳) به جان ملامت عشاق می‌کنند عوام / معنی است که کار دگر نمی‌دانند
- ۴) از پی بهبودمُلك و دولت بگزین / مردم دانا به جای مردم نادان

(سراسری، انسانی ۸۹)

۱۸- به مضمون آیه‌ی «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» در کدام بیت اشاره نشده است؟

- ۱) کلاه سعادت یکی بر سرش / گلیم شقاوت یکی در برش
- ۲) ادیم (سفره) زمین سفره‌ی عام اوست / بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
- ۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
- ۴) گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

(سراسری، انسانی ۸۹)

۱۹- کدام دو بیت با یکدیگر تناسب مفهومی دارند؟

- الف) گوش آن کس نوشد اسرار جلال / کاو چو سوسن ده زبان افتاد و لال
 - ب) گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله‌ی من / آنچه البته به جایی نرسد فریاد است
 - ج) بیدل گمان مبر که نصیحت کند قبول / من گوش استماع ندارم لمن تقول
 - د) نباید سخن گفت نا ساخته / نشاید بریدن نینداخته
 - ه) تأمل کنان در خطا و صواب / به از ژاژ خایان حاضر جواب
 - و) کمال است در نفس انسان سخن / تو خود را به گفتار، ناقص مکن
- ۱) ب-ج ۲) ج-و ۳) ه-ب ۴) ب-الف

(سراسری، انسانی ۸۹)

۲۰- مفهوم عبارت «هرچه نیاید، دل بستگی را نشاید» در کدام بیت مشهود نیست؟

- ۱) مشو چو وقت که یک لحظه پایدار نماند / مشو چو دهر که یک عهد پایدار نکرد
- ۲) به ثبات حسن خوبان دل خود مبند صائب / که به روی خار دایم گل بی‌وفا نشسته
- ۳) بر آن چه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
- ۴) وفاداری مدار از بلبلان چشم / که هر دم بر گلی دیگر سرایند

(سراسری، هنر ۸۸)

۲۱- متن زیر، با کدام بیت ارتباط مفهومی ندارد؟

«روز چهارم به کویی فرومی‌شد، مردی را دید که به فساد و ناشایستگی معروف بود و انواع فسق و فجور در او موجود؛ چنان که انگشت‌نمای گشته بود. خواست که او را ببرد، اندیشه‌ای به دلش درآمد که به ظاهر حکم نباید کرد؛ روا بود که او را قدری و پایگاهی بود...»

- ۱) مراد اهل طریقت لباس ظاهر نیست / کمر به خدمت سلطان ببند و صوفی باش
- ۲) وز آنچه فیض خداوند بر تو می‌باشد / تو نیز در قدم بندگان او می‌پاش
- ۳) به عین عجب و تگم نکه به خلق مکن / که دوستان خدا ممکن‌اند در او باش
- ۴) مقام صالح و فاجر هنوز پیدا نیست / نظر به حسن معاد است نه به حسن معاش

(سراسری، تهری ۸۸)

۲۲- مفهوم کدام بیت، متفاوت با سایر ابیات است؟

- ۱) اگر توشه‌مان نیک نامی بود / روان‌مان بدان سر گرامی بود
- ۲) همان مرگ بهتر به نام بلند / از این زیستن با هراس و گزند
- ۳) هر آن‌جا که روشن شود راستی / فروغ دروغ آورد کاستی
- ۴) به‌نام نکو گر بمیرم رواست / مرا نام باید که تن مرگ راست

(سراسری، ریاضی ۸۸)

۲۳- مفهوم ابیات زیر، با کدام بیت تناسب ندارد؟

- «عاقبت از خامی خود سوخته / رهروی کبک نیاموخته
کرد فراموش ره و رفتار خویش / ماند غرامت زده از کار خویش»
- ۱) کلاغی تک کبک در گوش کرد / تک خویشتن را فراموش کرد
 - ۲) گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار / کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست
 - ۳) مسکین خرک آرزوی دم کرد / نایافته دم دو گوش گم کرد
 - ۴) مار را هر چند بهتر پروری / چون یکی خشم آورد کیفر بری

۲۴- مفهوم عبارت «هر که آن‌جا نشیند که خواهد و مرداش بود، چنانش گُشنند که نخواهد و مرادش نبود.» با کدام بیت متناسب است؟

(سراسری، ریاضی ۸۹)

- ۱) هر که بر خویشتن نبخشاید / گر نبخشد بر او کسی، شاید
- ۲) هر که را بر بساط بنشستی / واجب آمد به خدمتش برخاست
- ۳) هر که ننشیند به جای خویشتن / افتد و ببند سزای خویشتن
- ۴) هر که بر خود در سؤال گشاد / تا بمیرد نیازمند بود

۲۵- مفهوم بیت «پشه کی داند که این باغ از کی است / کاو بهاران زاد و مرگش در دی است» با کدام بیت تناسب ندارد؟

(سراسری، انسانی ۸۹)

- ۱) پشه کی جولان کند جایی که باد صرصر [سخت و سرد] است / خصم مسکین پیش خسرو کی تواند ایستاد
- ۲) چو نیست دانش بر کار خویش دایره را / چگونه باشد دانا به خالق پرگار
- ۳) این جهان در جنب فکرت‌های ما / همچو اندر جنب دریا ساغر است
- ۴) که می‌داند که این دوران افلاک / چه‌مدت دارد و چون بودش احوال

۲۶- مفهوم «أصبحتُ اميراً و أمدّ يثأسيراً» از همهی ابیات به استثنای بیت دریافت می‌شود.

(سراسری، انسانی ۸۹)

- ۱) گفتی که کجا رفتند آن تاجوران اینک / ز ایشان شکم خاک است آبستن جاویدان
- ۲) کسی که تاج سرش بود در صبح به سر / نماز شام ورا خشت زیر سر دیدم
- ۳) ای صبح شب‌نشینان جانم به طاقت آمد / از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران
- ۴) آن مصر مملکت که تو دیدی خراب شد / وان نیل مکرمت که شنیدی سراب شد

۲۷- مفهوم عبارت «ماعر فناک حقّ معرفتک» از کدام بیت دریافت می‌شود؟

(تعاونی سنپش، ۸۹-۸۸)

- ۱) سر آورد و دست از عدم در وجود / در این جود بنهاد و در وی سجود
- ۲) در معرفت دیده‌ی آدمی است / که بگشوده بر آسمان و زمی است
- ۳) وان که او دست و پای را داند / او چگونه خدای را داند
- ۴) نخست او ارادت به دل درنهاد / پس این بنده بر آستان سر نهاد

۲۸- کدام بیت مفهوم مقابل عبارت «من از سخن او جاهل نمی‌گردم و او از خلق و خوی من عاقل می‌گردد.» را

(تعاونی سنپش، ۸۹-۸۸)

دارد؟

- ۱) تو خود را چو کودک ادب کن به چوب / به گرز گران مغز مردان مکوب
- ۲) پرتو نیکان بگیرد هر که بنیادش بد است / تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است
- ۳) هر آن طفل کو جور آموزگار / نبیند، جفا بیند از روزگار
- ۴) چون خواهی که نامت بماند به جای / پسر را خردمندی آموز و رای

(هفدهمین المپیاد ادبی)

۲۹- کدام گزینه مفهوم متفاوتی را بیان می‌کند؟

- ۱) چو انسان را نباشد فضل و احسان / چه فرقی ز آدمی تا نقش دیوار
- ۲) آن که حظّ آفرید و روزی سخت / یا فضیلت همی‌دهد یا بخت
- ۳) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد / تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
- ۴) دانش و خواسته است نرگس و گل / که به یک جای نشکفند به هم

(نوزدهمین المپیاد ادبی)

۳۰- کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی دارد؟

«شرمنده از آنیم که در روز مکافات / اندر خور عفو تو نکردیم گناهی»

- ۱) کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار
- ۲) نیاید همی شرمت از خویشتن / کزو فارغ و شرم داری ز من؟
- ۳) همی شرم دارم ز لطف کریم / که خوانم گنه پیش عفوش عظیم
- ۴) تو در روی سنگی شدی شرمناک / مرا شرم باد از خداوند پاک

آزمون چهارم (کلی)

(سراسری، زبان ۸۴)

۱- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) آشنایی خلق دردسر است / معتکف باش تا ندانندت
- ۲) گر هنرمند گوشه‌ای گیرد / کام دل از هنر کجا یابد
- ۳) عزلت و انزوا و تنهایی / برهانندت از هزار بلا
- ۴) اگر پای در دامن آری چو کوه / سرت ز آسمان بگذرد در شکوه

(سراسری، انسانی ۸۴)

۲- مفهوم عبارت «اصبحتُ امیراً و آ مسیئُ اسیراً» با کدام بیت، متناسب نیست؟

- ۱) آن روزگار کو که مرا یار، یار بود / دل بر کنار از این غم و او در کنار بود
- ۲) روزم به آخر آمد و روزی نژاد نیز / زان گونه روزگار که آن روزگار بود
- ۳) اکنون به داغ صد غم و صد محنتم اسیر / آن مرغ خوش‌دلی که تو دیدی پرید و رفت
- ۴) امروز خنده طرح به گلزار می‌دهد / آن روز شوم رفت که صائب ملال داشت

۳- عبارت «در صحبت اهل عصر، در مواردی معدود از کوره درمی‌رفت و مخاطب معاند را درهم می‌کوفت و

(سراسری، فارغ از کشور، ۸۴)

شتم می‌کرد.» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- ۱) یک تن از اهل وفا نیست به خون‌گرمی من / باورت گر نود پرس هم از خنجر خویش
- ۲) جامی می دوشینه به من داد و مرا گفت / خوش باش زمانی و مکن یاد زمانه
- ۳) تندخویی مده از دست که در گلشن حسن / گل بی‌خار به نرخ خس و خاشاک رود
- ۴) عاشقم کردی و گفתי با رقیب تندخو / عاشق روی توام با هر که می‌خواهی بگو

(سراسری، انسانی ۸۵)

۴- کدام بیت مفهوم عبارت زیر را دربر دارد؟

«این مایه خاکساری و تواضع، حاکی از آن است که او، در طریق انقطاع خویشتن را از «خود» خالی کرده بود و به مرتبه‌ی فنا رسیده بود.»

- ۱) اگر صد قرن ازین عالم بپویی سوی آن بالا / چو دیگر سالکان خود را هم اندر نردبان بینی
- ۲) سبک‌رو چون توانی بود سوی آسمان تا تو / ز ترکیب چهار ارکان همی خود را گران بینی
- ۳) یا رب دلی که در وی پروای خود نگنجد / دست محبت آن جا، خرگاه عشق چون زد
- ۴) سعدی ز خود برون شو گر مرد راه عشقی / کان کس رسید در وی کز خود قدم برون زد

۵- بیت «دیدی که مرا هیچ کسی یاد نکرد / جز غم که هزار آفرین بر غم باد» با مفهوم کدام بیت متناسب نیست؟

(سراسری، انسانی ۸۵)

- ۱) به جان دوست که غم پرده بر شما ندرد / گر اعتماد بر الطاف کارساز کنید
- ۲) غم تو را به نشاط جهان نخواهم داد / من این خریدی خود را به هیچ نفروشم
- ۳) مگو در بی‌غمی آسودگی هست / که غم گر هست در عالم همین است
- ۴) غمش را غیر دل سرمنزلی نیست / ولی آن هم نصیب هر دلی نیست

۶- عبارت «هر عصب و فکر به منبع بی‌شائبه‌ی ایمان وصل بود که خوب و بد را به عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟
(سراسری، ریاضی ۸۵)

- ۱) جایی اگر ز غیبت او تیره شد جهان / جای دگر ز پرتوش آفاق با ضیاست
- ۲) تو کار خویش به فضل خدای کن تفویض / به روز دولت و نکبت که کار کار خداست
- ۳) بدان قدر که توجدی نمایی و جهدی / گمان مبر که دگرگون شود هر آنچه قضاست
- ۴) سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید / تبارک‌الله از این فتنه‌ها که در سر ماست

۷- مفهوم همه‌ی ابیات به‌جز بیت ریشه‌های شکست آدمی را در اندیشه و کردار خود او جست‌وجو می‌کند.

- ۱) مهر روی تو نه در خوردن مسکین بود / چه کند بنده چو تقدیر خداوند این بود (سراسری، فارغ از کشور، ۸۵)
- ۲) آب خاشاک چو بر خاطر خود دید چه گفت / هیچ شک نیست که هر چیز که بر ماست ز ماست
- ۳) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ / بیگانه نکرد آن چه دل خویش به من کرد
- ۴) همی چه گویم و خود کرده را چه چاره توان؟ / بدین حدیث که کردم خود اقتصار کنم

۸- عبارت «مولانا غالباً در سلوک با خلق ساده، فروتن و شکیبا بود.» با مفهوم همه‌ی ابیات به‌جز بیت متناسب است.

- ۱) دست چون ماند به زیر سنگ سخت / جز به نرمی کی توان بیرون کشید (سراسری، فارغ از کشور، ۸۵)
- ۲) کسی کاو طریق تواضع رود / کند بر سریر شرف سلطنت
- ۳) کار تو جز خدای نگشاید / به خدای ار ز خلق هیچ آید
- ۴) گرچه مه به زیبایی شمع جمع آفاق است / دل نمی‌برد آری، دلبری به اخلاق است

۹- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟
(سراسری، ریاضی ۸۶)

- ۱) چرا گوید آن چیز در خفیه مرد / که گر فاش گردد شود روی زرد
- ۲) تو در گفت‌وگو ببند و ببین / که چه درها به روی دل باز است
- ۳) خموشی پرده‌پوش راز باشد / نه مانند سخن غمگن باشد
- ۴) سخن تا نگویی تویی شاه آن / چو گفتی شود شاه تو آن زمان

۱۰- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟
(سراسری، زبان ۸۶)

- ۱) این جاهلان که دعوی ارشاد می‌کنند / در خرقة‌شان به غیر «منم» تحفه‌ای میاب
- ۲) من، من نیم آن کس که منم، گوی که کیست / خاموش منم در دهنم گوی که کیست
- ۳) سر تا قدمم نیست به جز پیره‌نی / آن کس که منم پیره‌نی گوی که کیست
- ۴) زین دو هزاران من و ما ای عجبا من چه منم / گوش بده عربده را دست منه بر دهنم

۱۱- بیت «ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوتاه‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟
(سراسری، زبان ۸۶)

- ۱) وفا سررشته‌ی عهد است، زنه‌ار / که این سررشته را از دست مگذار
- ۲) بیا ای صبح دولت را طلبکار / چو صبح اهل دولت، صدق پیش‌آر
- ۳) تو را گر تلخ و گر شیرین شود کام / هم از ساقی شناس او را نه از جام
- ۴) چه از رزق مقدر بیش جویی / چه از روز مقدر پیش جویی

۱۲- بیت «این متعیان در طلبش بی خبرانند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همهی ابیات، به غیر از بیت تناسب معنایی دارد.

(سراسری، هنر ۸۶)

- ۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست / حیف نباشد که دوست دوست‌تر از جان ماست
- ۲) هر که را اسرار حق آموختند / مَهر کردند و دهانش دوختند
- ۳) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است / هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی
- ۴) کسی را در این بزم ساغر دهند / که داروی بیهوشیش در دهند

۱۳- بیت: «صبح آید که بُد معتکف پرده‌ی غیب / گو برون آی که کار شب تار آخر شد» با همهی ابیات به غیر از بیت ارتباط معنایی دارد.

(سراسری، تهرپی ۸۶)

- ۱) آن پریشانی شب‌های دراز و غم دل / همه در سایه‌ی گیسوی نگار آخر شد
- ۲) شکر ایزد که به اقبال کُله گوشه‌ی گل / نخوت باد دی و شوکت خار آخر شد
- ۳) شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند / هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش
- ۴) به صوت چنگ بگوئیم آن حکایت‌ها / که از نهفتن آن دیگ سینه می‌زد جوش

۱۴- عبارت «مولانا از فقر اختیاری بشاشت عظیم می‌کرد.» با کدام بیت متناسب است؟

(سراسری، انسانی ۸۶)

- ۱) هم ز خود جوی هر چه می‌جویی / که به غیر از تو در جهان کس نیست
- ۲) رزق مقسوم و وقت معلوم است / ساعتی بیش و لحظه‌ای پس نیست
- ۳) به قدم کوش تا به کام رسی / مرد وامانده کاروان‌رس نیست
- ۴) گر قناعت کنی به خانه‌ی تنگ / کم‌تر از طارم مقرنس نیست

۱۵- بیت زیر با همهی ابیات به جز بیت ارتباط معنایی دارد.

(سراسری، فارغ از کشور، ۸۶)

- «چون شب‌نم اوفتاده‌بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عَوق بردم»
- ۱) من به سرچشمه‌ی خورشید نه به خود بردم راه / ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد
 - ۲) آفتابی تو و من ذره‌ی مسکین ضعیف / تو کجا و من سرگشته کجا می‌نگرم
 - ۳) ذره را پرتو مهر تو کند خورشیدی / قطره را گردش جام تو کند دریایی
 - ۴) چو ذره گرچه حقیرم ببین به دولت عشق / که در هوای رخت چون به مهر پیوستم

۱۶- بیت: «زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ گاهی نیست» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(سراسری، فارغ از کشور، ۸۶)

- ۱) بگفتم روز بی‌گاهست و ره بس دور، گفتا رو / به من بنگر به ره منگر که من ره را نوردیدم
- ۲) در غم ما روزها بی‌گاه شد / روزها با سوزها همراه شد
- ۳) روزها گر رفت، گو رو، باک نیست / تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست
- ۴) طوفان نوح را به نظر درنیآورد / شور محبتی که در آب و گل من است

(سراسری، تجربی ۸۷)

۱۷- بیت زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«بر در ارباب بی مروت دنیا / چند نشینی که خواجه کی به در آید»

- ۱) عنان گیر تو گر روزی جمال درد دین باشد / عجب نبود که با ابدال خود را هم‌عنان بینی
- ۲) بدین زور و زر دنیا، چو بی‌عقلان مشو غره / که این آن نوبهاری نیست کش بی‌مهرگان بینی
- ۳) عطا از خلق چون جویی، گر او را مال ده گویی / به سوی عیب چون پویی گر او را غیب‌دان بینی؟
- ۴) چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری / که تا برهم‌زنی دیده نه این بینی نه آن بینی

(سراسری، ریاضی ۸۷)

۱۸- مفهوم عبارت «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجَعُ إِلَى أَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- ۱) سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد / سیر جان، پا در دل دریا نهاد
- ۲) مادر فرزندی، جویان وی است / اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
- ۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد / تن تو را در حبس آب و گل کشد
- ۴) جان، گشاده سوی گردون بال‌ها / تن، زده اندر زمین چنگال‌ها

۱۹- بیت «چه غم دیوار آتم را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان»

(سراسری، ریاضی ۸۷)

با کدام گروه ابیات، مفهومی مشترک دارد؟

- الف) گر هزاران دام باشد در قدم / چون تو با مایی، نباشد هیچ غم
- ب) دست در دامن مردان زن و اندیشه مکن / هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش
- ج) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم / وز لوح سینه هرگز نقشت نگشت زایل
- د) هر دلی کز قبل شادی او شاد بود / گرش طوفان غمان بارد، غمگین نکند
- ه) هر که در سایه‌ی عنایت اوست / گنهش طاعت است و دشمن دوست
- و) نه غم و اندیشه‌ی سود و زیان / نه خیال این فلان و آن فلان
- ز) چون عنایات بود با ما مقیم / کی بود بیمی از آن دزد لئیم؟
- ۱) الف، ب، ج ۲) د، ج، ب ۳) ه، و، ز ۴) ه، الف، ز

(سراسری، ریاضی ۸۷)

۲۰- عبارت «وظیفه‌ی روزی به خطای منکر نبرد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) مهله کند روزی مار و مور / اگر چند بی‌دست و پایند و زور
- ۲) ولیکن خداوند بالا و پست / به عصیان در رزق برکس نبست
- ۳) پرستار امرش همه چیز و کس / بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس
- ۴) چنان پهن خوان کرم گسترد / که سیمرغ در قاف روزی خورد

(سراسری، هنر ۸۷)

۲۱- ترجیح صحبت بر عزلت، از مفهوم همه‌ی ابیات به جز بیت دریافت می‌شود.

- ۱) آسوده کجا گردم، تا با تو نیاسایم / آرام کجا گیرم تا با تو نیارامم
- ۲) چنان به کوی تو آسوده از بهشت برینم / که در ضمیر نیاید خیال حوری عینم
- ۳) چگونه شاد نباشد دلم به گوشه‌نشینی / که خال گوشه‌ی چشم تو کرد گوشه‌نشینم
- ۴) تا با تو نپیوندم کی میوه دهد شاخم / تا با تو نیامیزم کی شاد شود کامم

۲۲- مفهوم بیت «بترس از جهان دار یزدان پاک / خرد را مکن با دل اندر مگاک» با کدام بیت تناسب ندارد؟

(سراسری، زبان ۸۸)

- ۱) هوا را مده چیرگی بر خرد / چنان کن تو هر کار کاندرا خورد
- ۲) هوا را مبر پیش رای و خرد / کز آن پس خرد سوی تو ننگرد
- ۳) هوا را تو گفتمی همی برفروخت / چو الماس روی زمین را بسوخت
- ۴) هوا را مشوسخره ای نیک کس / که سخره‌ی هوا نیست جز خار و خس

(سراسری، هنر ۸۸)

۲۳- کدام گروه از ابیات، مفهومی مشترک دارند؟

- الف) منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا / وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
 - ب) اگر هفت کشور به شاهی تو راست / چرا رنج و سختی همه بهر ماست
 - ج) هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند
 - د) همه سوی دوزخ نهادید روی / سپردید دل‌ها به گفتار او
 - ه) گشته‌است بازگونه همه رسم‌های خلق / زین عالم نبیره (فرومایه) و گردون بی‌وفا
- ۱) الف-ج-ه ۲) الف-د-ه ۳) ب-ج-د ۴) ب-الف-ه

(سراسری، هنر ۸۸)

۲۴- «بی‌خبری» در کدام بیت در مفهوم غیرعرفانی و به معنی جهالت به کار رفته‌است؟

- ۱) هر کاو قتیل عشق نشد چون به خاک رفت / هم بی‌خبر بیامد و هم بی‌خبر برفت
- ۲) در دل شب خبر از عالم جانم کردند / خبری آمد و از بی‌خبرانم کردند
- ۳) عارفانی که از این رشته سری یافته‌اند / بی‌خبر گشته ز خود تا خبری یافته‌اند
- ۴) سرمست ز ساغر گشت، دل واله دلبر گشت / تن بی‌خبر از سر گشت مستانه چنین باشد

۲۵- در همی ابیات به جز بیت، به تعلق و وابستگی در مفهوم درماندگی، اشاره شده‌است.

(سراسری، تهری ۸۸)

- ۱) لیک پایت نیست تا نقلی کنی / یا مگر پا را از این گل بر کنی
- ۲) بسته‌پایی چون گیا اندر زمین / سر بجنابانی به بادی بی‌یقین
- ۳) هر که را پای است، جوید روزی / هر که را پا نیست، کن دلسوزی
- ۴) چون کنی پا را؟ حیانتت زین گل است / این حیانتت را روش بس مشکل است

۲۶- عبارت: «آن روز که من سر چوب پاره سرخ کنم تو جامه‌ی اهل صورت پوشی»، با کدام بیت تناسب

(سراسری، تهری ۸۸)

مفهومی ندارد؟

- ۱) می‌دهد ظاهر هر کس خبر از باطن او / رتبه‌ی پیرهن آری ز قبا معلوم است
- ۲) تو گر ظاهر بگردانی روا نیست / که کار او به دستار و قبا نیست
- ۳) ظاهرپرست کی به حقیقت رسد کلیم / کاو سر همیشه در ره دستار می‌دهد
- ۴) چشم ناقص گهران بر زر و زیور باشد / زینت ساده‌دلان پاکی گوهر باشد

۲۷- عبارت «مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد.» با همهی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی متناسب است.

(تعاونی سنپش، ۸۴-۸۳)

- ۱) آسمان کی می‌تواند کرد کار عشق را / بر نمی‌آید ز دست شیشه‌گر آهنگری
- ۲) عشق بالاتر از آن است که در وصف آید / چرخ کبکی است که در چنگل این شهباز است
- ۳) عشق دعوی می‌کنی بار بلا بر دوش نه / نقد خود بر سنگ زن بنگر عیار خویش را
- ۴) کمال مردی و مردانگی است خودشکنی / ببوس دست کسی را که این صنم شکند

۲۸- مفهوم عبارت «در هر رنگی که بنگری و هر مزه‌ای که بچشی دانی که به آن نمایی و جای دیگر روی، پس هیچ دلتنگی نباشی.» با همهی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی متناسب است.

(تعاونی سنپش، ۸۴-۸۳)

- ۱) من بنده نکو شناسم احوال تو را / جودی نبود تو را و امثال تو را
- ۲) چون هست و نیست هیچ نماند به یک قرار / آن به کز آن به یاد نیاید دل تو را
- ۳) جهان بر آب نهاده است و زندگی بر باد / غلام همت آنم که دل بر او نهاده
- ۴) گر ملک کاینات ز دستت برون شود / هان تا غمش ز جا نرباید دل تو را

(تعاونی سنپش، ۸۷-۸۶)

۲۹- کدام بیت با سایر ابیات ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) گر ز عشق اندک اثر می‌دیده‌ای / عیب‌ها جمله هنر می‌دیده‌ای
- ۲) عیب بین زانی که تو عاشق نه‌ای / لاجرم این شیوه را لایق نه‌ای
- ۳) عوام عیب‌کنندم که عاشقی همه عمر / کدام عیب که سعدی چنین هنر دارد
- ۴) ز دشمنان شنو ای دوست تا چه می‌گویند / که عیب در نظر دوستان هنر باشد

(نوزدهمین المپیاد ادبی)

۳۰- کاربرد «واو» در کدام گزینه مشابه کاربرد آن در بیت زیر است؟

«ترسیدم و پشت بر وطن کردم / گفتم من و طالع نگونسارم»

- ۱) تو و طوبی و ما و قامت یار / فکر هر کس به قدر همت اوست
- ۲) شاهدان در جلوه و من شرمسار کیسه‌ام / بار عشق و مفلسی صعب است، می‌باید کشید
- ۳) زندان خدایگان که و من که / ناگه چه قضا نمود دیدارم؟
- ۴) آخر چه کنم من و چه بد کردم؟ / تا بند ملک بود سزاوارم؟

آزمون پنجم (پرسش‌های تناسب مفهومی، سراسری ۹۱)

- ۱- مفهوم همه‌ی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارند. (انسانی ۹۱)
- ۱) حکایتی ز دهانت به گوش جان آمد / دگر نصیحت مردم حکایت است به گوشم
 - ۲) مرا هوشی نماند از عشق و گوش‌ی / که پند هوشمندان کار بندم
 - ۳) کلید گنج سعادت نصیحت سعدی است / اگر قبول کنی گوی بردی از میدان
 - ۴) اگر مراد نصیحت کنان ما این است / که ترک دوست بگویم تصویری است محال
- ۲- بیت: «دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟ (انسانی ۹۱)
- ۱) گر زاغ سیه باغ ز بلبل بستاند / دستان نتواند زدن و ناورد الحان
 - ۲) چشم فلک است این که بدو تیره زمین را / هموار همی بیند این گنبد گردان
 - ۳) هر چند که بر منبر نادان بنشیند / هرگز نشود همبر بادانا، نادان
 - ۴) چون ابر بلند است سیه دود و لیکن / از دود جدا گشت سیه ابر به باران
- ۳- مضمون همه‌ی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (انسانی ۹۱)
- ۱) دانی که خبر ز عشق دارد؟ / آن کز همه عالمش خبر نیست
 - ۲) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند / تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود
 - ۳) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست / دیرگاهی است که من بلبل این بستانم
 - ۴) پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود / با خود آوردم از آن جا نه به خود بر بستم
- ۴- مفهوم: «يُؤَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» با کدام بیت تناسب دارد؟ (انسانی ۹۱)
- ۱) مردی است سخاپیشه و مردی است عطابخش / با خلق نکوکار به کردار و به گفتار
 - ۲) سخای ابر از آن آمد جهان گیر / که در طفلی گیاهی را دهد شیر
 - ۳) دریای لطف اوست و گرنه سحاب کیست / تا بر زمین مشرق و مغرب کند سخا
 - ۴) گرچه مورم ولی آن حوصله با خود دارم / که ببخشم بود از ملک سلیمان از من
- ۵- در همه‌ی ابیات به جز بیت اسفندیار به گونه‌ای رستم را تحقیر و تمسخر می‌کند. (انسانی ۹۱)
- ۱) نداری ز من شرم و ز کردگار / نترسی که پرسند روز شمار
 - ۲) فراموش کردی تو سگری مگر / کمان و بر مرد پرخاشخ
 - ۳) چرا پیل جنگی چو روباه گشت؟ / زررمت^۱ چنین دست کوتاه گشت
 - ۴) تو آنی که دیو از تو گریان شدی؟ / دد از تفتیغ تو بریان شدی؟

۱- روشن است که باید بین «ز» و «رزم» فاصله باشد: «ز رزم» اما در این جا بیت‌ها دقیقاً به همان شکل حروف چینی شده‌اند که دفترچه‌ی سازمان سنجش آمده‌بود.

(انسانی ۹۱)

۶- در کدام گزینه، ابیات دوگانه تناسب مفهومی ندارند؟

- ۱) مزن بر سنگ پیش سخت رویان گوهر خود را / به هر آینه‌ی تاریک منما جوهر خود را
- ۲) من آنم که در پای خو کان نریزم / مرا این قیمتی‌در لفظ دری را
- ۳) هر آن کو نکو رأی و دانا بود / نه زیبا بود گر نه گویا بود
- ۴) ای حیات عاشقان در مردگی / دل نیابی جز که در دل بردگی
- ۵) مرده و مرد را ز مرگ چه باک / جز دورنگی نشد ز مرد هلاک
- ۶) نیست جای خواب و آسایش گذرگاه جهان / تا به کی سازی به پهلو بستر بیگانه گرم
- ۷) عمر برف است و آفتاب تموز / اندکی ماند و خواجه غره هنوز

۷- مفهوم: «به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم / بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا» با کدام بیت متناسب است؟

(انسانی ۹۱)

- ۱) برو ای زاهد و بر درد کشان خرده مگیر / که ندادند جز این تحفه به ما روز الست
- ۲) من نخواهم کرد ترک لعل یار و جام می / زاهدان معذور داریدم که اینم مذهب است
- ۳) خون خورده‌ام نه باده که زهرم نصیب باد / دور از لب تو چون می بی‌غش گرفته‌ام
- ۴) در شب قدر ار صبحی کرده‌ام عیبم مکن / سرخوش آمد یار و جامی برکنار طاق بود

۸- مضمون و محتوای همه‌ی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

(انسانی ۹۱)

- ۱) یک دسته گل دماغ پرور / از خرمن صد گیاه بهتر
- ۲) می‌باش چو خار نیزه بر دوش / تا خرمن گل کشتی در آغوش
- ۳) آب ارچه همه زلال خیزد / از خوردن پر ملال خیزد
- ۴) گرچه همه کوبی به تاب است / افروختگی در آفتاب است

۹- مفهوم بیت: «من چشم از او چگونه توانم نگاه داشت / کاوّل نظر به دیدن او دیده‌ور شدم» با کدام بیت متناسب است؟

(انسانی ۹۱)

- ۱) تا مرا با نقش رویش آشنایی اوفتاد / هرچه می‌بینم به چشم نقش دیوار آمدست
- ۲) تا نپنداری که بعد از چشم خواب‌آلود تو / تا برفتی خوابم اندر چشم بیدار آمدست
- ۳) گر تو انکار نظر در آفرینش می‌کنی / من همی گویم که چشم از بهر این کار آمدست
- ۴) آن پری کز خلق پنهان بود چندین روزگار / باز می‌بینم که در عالم پدیدار آمدست

(هنر ۹۱)

۱۰- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) اندر این گیتی به فضل و رادی او را یار نیست / جز کریمی و عطابخشیدن او را کار نیست
- ۲) کس نمی‌گوید که یاری داشت حق دوستی / حق‌شناسان را چه حال افتاد یاران را چه شد
- ۳) دلم را یاری از یاری ندیدم / غمم را هیچ غمخواری ندیدم
- ۴) یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد / دوستی کی آخر آمد دوست‌داران را چه شد

۱۱ - مفهوم: «دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی» با کدام بیت متناسب است؟
(هنر ۹۱)

- ۱) بهشت و بوستان بی دوست زشت است / به روی دوستان زندان بهشت است
- ۲) جهان را چون رباطی با دو در دان / که چون زین در درآیی بگذری زان
- ۳) دست و پای زدیم در نگرفت / پشت پای زدیم و وارستیم
- ۴) دیده‌ی یوسف‌شناسی نیست در مصر وجود / ورنه با این تیرگی زندان دنیا هم خوش است

۱۲ - بیت: «از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم» با همهی ابیات به استثنای بیت قرابت مفهومی دارد.
(هنر ۹۱)

- ۱) ترک آسایش اگر لذت ندارد پس چرا / گل به آن نازک تنی از خاربستر می‌کند
- ۲) چگونه از سر کویت توان کشیدن پای / که کرده هر سر موی تو پای بست مرا
- ۳) نرگس او با دل بیمار من الفت گرفت / عاقبت درد محبت عین درمان شد مرا
- ۴) نشسته خیل غمش در دل شکسته‌ی من / درست شد همه کاری از این شکست مرا

۱۳ - مفهوم: «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز» با همهی ابیات به استثنای بیت تناسب دارد.
(هنر ۹۱)

- ۱) آن دهان نیست که در وصف سخندان آید / مگر اندر سخن آیی و بدانم که لب است
- ۲) چون سخن در وصف این حالت رسید / هم قلم بشکست و هم کاغذ درید
- ۳) خدای را به صفات زمانه وصف مکن / که هر سه وصف زمانه است هست و باید و بود
- ۴) وصف خوبی او چه دانم گفت / هر چه گویم هزار چندین است

۱۴ - مفهوم بیت: «بی‌سروپا گدای آن جا را / سر ز ملک جهان گران بینی» از کدام بیت دریافت می‌شود؟ (هنر ۹۱)

- ۱) به گدایی بگفتم ای نادان / دین به دنیا مده تو از پی نان
- ۲) گدا را چو حاصل شود نان شام / چنان خوش بخشید که سلطان شام
- ۳) گدایی در جانان به سلطنت مفروش / کسی ز سایه‌ی این در به آفتاب رود؟
- ۴) گر گدا پیش‌رو لشکر اسلام بود / کافر از بیم توقع برود تا در چین

۱۵ - مفهوم «وحدت وجود» از کدام بیت دریافت می‌شود؟ (هنر ۹۱)

- ۱) تا به گفتار درآمد دهن شیرینت / بیم آن است که شوری به جهان در فکنم
- ۲) شرط عقل است که مردم بگریزند از تیر / من گر از دست تو باشد مژه برهم نزنم
- ۳) گر به خون تشنه‌ای اینک من و سر باکی نیست / که به فتراک تو به زان که بود بر بدنم
- ۴) پیرهن می‌بدرم دم به دم از غایت شوق / که وجودم همه او گشت و من این پیرهنم

۱۶ - مفهوم بیت: «عشق را خواهی که تا پایان بری / بس که بپسندید باید ناپسند» به همه‌ی ابیات به جز بیت تناسب دارد.

(هنر ۹۱)

- ۱) از حلاوت‌ها که دارد جور تو / وز لطافت کس نباید غور (حقیقت) تو
- ۲) ای جفای تو ز دولت خوب‌تر / و انتقام تو ز جان محبوب‌تر
- ۳) ای بدی که تو کنی در خشم و جنگ / با طرب‌تر از سماع و بانگ چنگ
- ۴) گر فراق بنده از بد بندگی است / چون تو با بد بدکنی پس فرق چیست

۱۷ - در همه‌ی گزینه‌ها به استثنای ابیات دوبه‌دو با هم تناسب مفهومی دارند.

(هنر ۹۱)

- ۱) به خاکپای عزیزت که عهد نشکستم / ز من بریدی و با هیچ کس نیبوستم
- اگر چه مهر بریدی و عهد بشکستی / هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
- ۲) عاشق از طعنه‌ی اغیار چه پروا دارد / آتش از سرزنش خار چه پروا دارد
- پیایی بکش جام و سرگرم باش / بهل گر بگیرند بی کارها
- ۳) دام شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست / پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان شود
- چنان به یاد تو شادم که فرق می‌نکنم / ز دوستی که فراق است یا وصال است این
- ۴) ور هنری داری و هفتاد عیب / دوست نبیند به جز آن یک هنر
- ز عاشق هیچ کس معشوق را بهتر نمی‌بیند / برو از دیده‌ی وامق نظر در حسن عذرا کن

۱۸ - مفهوم همه‌ی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر قرابت دارد.

- ۱) از بدان جز بدی نیاموزی / نکند گرگ پوستین‌دوزی
- ۲) بشوی ای خردمند از آن دوست دست / که با دشمنانت بود هم نشست
- ۳) درگذر از کوره‌ی آهنگران / کآتش و دودی رسد از هر کران
- ۴) نخست موعظه‌ی پیر می فروش این است / که از مصاحب ناجنس احتراز کنید

۱۹ - مفهوم بیت: «بشوی اوراق اگر همدرس مایی / که علم عشق در دفتر نباشد» در همه‌ی ابیات به استثنای یافت می‌شود.

(زبان ۹۱)

- ۱) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است / به ناله‌ی دف و نی در خروش و ولوله بود
- ۲) قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز / و رای حدّ تقریر است شرح آرزومندی
- ۳) غیرت عشق زبان همه خاخن ببرد / کز کجا سرّ غمشق در دهن عام افتاد
- ۴) مباحثی که در آن مجلس جنون می‌رفت / و رای مدرسه و قال و قیل مسأله بود

۲۰ - مفهوم بیت: «تو یک ساعت چو افریدون به میدان باش تا زین پس / به هر جانب که رو آری درفش کاویان بینی» با همه‌ی ابیات به استثنای بیت تناسب دارد.

(زبان ۹۱)

- ۱) سرافکندگی کن که زلف نگار / سرافرازی در سرافکندگی است
- ۲) مشو غافل ز گردیدن که روزی در قدم باشد / همین آوازه می‌آید ز سنگ آسیا بیرون
- ۳) نشاید بهی یافت بی‌رنج و بیم / که بی‌رنج کس نارد از سنگ سیم
- ۴) هرآن کس که بگریزد از کار کرد / از او دور شد نام و ننگ نبرد

۲۱- مفهوم طنزآمیز ابیات «آن یکی پرسید اشتر را که هی / از کجا می‌آیی، ای فرخنده پی

گفت: از حمام گرم کوی تو / گفت: خود پیداست از زانوی تو» با کدام بیت تناسب ندارد؟ (زبان ۹۱)

- ۱) به گیتی به از راستی پیشه نیست / ز کژی بتر هیچ اندیشه نیست
- ۲) گر راست سخن گویی و در بند به پای / به زان که دروغت دهد از بند رهایی
- ۳) همه کس به یک خوی و یک خواست نیست / ده انگشت مردم به هم راست نیست
- ۴) سخن راست توان دانست از لفظ دروغ / باد نروزی پیدا بود از باد خزان

۲۲- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (زبان ۹۱)

- ۱) اگر باری ز دوشم بر نداری / چرا باری به سر بارم گذاری
- ۲) امیدوار بود آدمی به خیر کسان / مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان
- ۳) گرت ز دست برآید مراد خاطر ما / به دست باش که خیری به جای خویشتن است
- ۴) گر در جهان دلی ز تو خرم نمی‌شود / باری چنان مکن که شود خاطری حزین

۲۳- ویژگی شاعرانه‌ی باد صبا در همه‌ی ابیات به استثنای مشترک است. (زبان ۹۱)

- ۱) ای صبا سوختگان بر سرره منتظرند / گر از آن یار سفر کرده پیامی داری
- ۲) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را / که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
- ۳) هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر / در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت
- ۴) من و باد صبا نالان دو سرگردان بی‌حاصل / من از افسون چشم‌ت مست و او از تاب گیسویت

۲۴- همه‌ی ابیات به استثنای با یکدیگر تناسب معنایی دارند. (زبان ۹۱)

- ۱) تو خوش می‌باش با حافظ برو گو خصم جان می‌ده / چو گرمی از تو می‌بینم چه باک از خصم دم سردم
- ۲) بر آنم گر تو بازایی که در پایت کنم جانی / وزین کم‌تر نشاید کرد در پای تو قربانی
- ۳) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود / سر و جان را نتوان گفت که مقداری هست
- ۴) من در خور تو چه تحفه آرم / جان است و بهای یک نظر نیست

۲۵- بیت زیر با مفهوم کدام بیت تناسب ندارد؟ (زبان ۹۱)

- «به شادی و آسایش و خواب و خور / ندارند کاری دل افکارها»
- ۱) عاشقان را هست بی‌سرمایه سود / عاشقان را کار نبود با وجود
 - ۲) عاشقی کارسری نیست که بر بالین است / خواب در عهد تو در چشم من آید هیهات
 - ۳) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد
 - ۴) عشق دعوی می‌کنی بار بلا بر دوش نه / نقد خود بر سنگ زن بنگر عیار خویش را

۲۶- مفهوم بیت: «او را خود التفاف نبودی به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم» با کدام بیت متناسب است؟

(زبان ۹۱)

- ۱) تا دل نمی‌برم به کسی دل نمی‌دهم / صیاد من نخست گرفتار من شود
- ۲) چشم تو راست کرد به دل تیر غمزه را / شادم که التفات دلیل عنایت است
- ۳) گفت خود دادی با ما دل حافظا / ما محصل بر کسی نگماشتیم
- ۴) عشق می‌گوید به گوشم پست پست / صید بودن خوش‌تر از صیادی است

۲۷- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

(تبریزی ۹۱)

- ۱) گر بیوسم همچو دانه عاقبت نخلی شوم / زان که جمله چیزها، چیزی ز بی چیزی شده‌است
- ۲) که ای بلند نظر شاهباز سدره‌نشین / نشیمن تو نه این کنج محنت آباد است
- ۳) خود ز فلک برتریم و ز ملک افزون‌تریم / زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست
- ۴) چرا به عالم اصلی خویش وا نروم / دل از کجا و تماشای خاکدان ز کجا

۲۸- مفهوم عبارت: «به سرش ندا آمد که بایزید، هنوز تویی تو همراه توست، اگر خواهی که به ما رسی، خود را بر در بگذار و در آی.» با همهی ابیات به استثنای بیت تناسب دارد.

(تبریزی ۹۱)

- ۱) نشود تا دلت از قید علایق آزاد / نتوان جلوه‌ی آن سرو خرامان دیدن
- ۲) جان تو را باید و باید غم تن چند خوری / بگذر از تن اگر هست سر جان دیدن
- ۳) ای که داری هوس طلعت جانان دیدن / نیست باید شدنت وانگهش آسان دیدن
- ۴) آن جمالی که فروغش کمر کوه شکست / کی توان از نظر موسی عمران دیدن

۲۹- در همهی ابیات به جز بیت به زمینه‌ی ملی حماسه، اشاره شده‌است.

(تبریزی ۹۱)

- ۱) همی به آسمان شد به پرّ عقاب / به زاری به ساری فتاد اندر آب
- ۲) به جمشید بر گوهر افشانند / مر آن روز را روز نو خوانند
- ۳) چو دید آن درفشان درفش مرا / به گوش آمدش بانگ رخس مرا
- ۴) به ایوان خرامید و بنشست شاد / کلاه کیانی به سر بر نهاد

۳۰- مفهوم بیت: «گرت هموار باید کامکاری / ز مور آموز رسم بردباری» با کدام بیت متناسب است؟

(تبریزی ۹۱)

- ۱) تو نمی‌بینی که یار بردبار / چون که با او ضد شوی گردد چو مار
- ۲) با جاهل و بی‌خرد درشتم / با عاقل، نرم و بردبارم
- ۳) گر بردبار باشم و هشیار و نیک مرد / دشمن گمان برد که بترسیدم از نبرد
- ۴) به هر چه رو دهد آینه‌وار می‌سازم / زمانه منفعل از طبع بردبار من است

۳۱- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، تفاوت دارد؟

(تبریزی ۹۱)

- ۱) امیدوار چنانم که کار بسته برآید / وصال چون به سرآمد فراق هم به سر آید
- ۲) شب فراق به صبح وصال انجامید / شکفته شو چو گل ای دل که گل‌عذار رسید
- ۳) دل از بی‌مرادی به فکرت مسوز / شب آبستن است ای برادر به روز
- ۴) ناامید از روشنی ای دل به تاریکی مباش / زان که شام هجر را صبح وصالی در پی است

۳۲- مفهوم عبارات: «در گذر از کویی، یک روز دو تن را در حال نزاع دید. یکی به دیگری پرخاش می‌کرد که اگر یکی به من گویی، هزار بشنوی، مولانا روی به آن دیگری کرد و گفت: هر چه خواهی به من گوی که اگر هزار گویی، یکی هم نشنوی.» با همهی ابیات به استثنای بیت متناسب است. (تپیری ۹۱)

(۱) حلم پیش‌آور به هنگام غضب / تا شوی مقبول و محرم نزد رب

(۲) لنگر حلم توای کشتی توفیق کجاست / که در این بحر کرم غرق گناه آمده‌ایم

(۳) از صدف یادگیر نکته‌ی حلم / آن که برد سرت گهر بخشش

(۴) کم مباش از درخت سایه فکن / هر که سنگت زند ثمر بخشش

۳۳- بیت: «گویشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست / صاحب خبر بیامد و من بی‌خبر شدم» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟ (تپیری ۹۱)

(۱) چون من از پای درافتادم و از دست شدم / دارم از لطف تو آن چشم که داری گویشم

(۲) چه دعاها کنمش گر خبری باز آرد / از دل من غم و اندوه فراوان ببرد

(۳) تا ذوق درونم خبری می‌دهد از دوست / از طعنه‌ی دشمن به خدا گر خبرستم

(۴) در خرابات ز اسرار حقیقت صائب / تا خبر یافتم از بی‌خبرانم کردند

۳۴- معنی «أَظْلَمَ لَيْسَ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرَ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» با کدام «رباعی» یکسان است؟ (ریاضی ۹۱)

(۱) ظلم از دل و دست ملک نیرو ببرد / عادل ز زمانه نام نیکو ببرد

گر تقویت ملک بری ملک بری / و تو نکنی هر که کند او ببرد

(۲) بس چون تو ملک زمانه بر تخت نشاند / هر یک به مراد خویشتن ملکی راند

از جمله بماند و دور گیتی به تو داد / دریاب که از تو هم چنین خواهد ماند

(۳) از ظلم حذر کن اگر ت باید ملک / در سایه‌ی معدلت بیاساید ملک

با کفر توان ملک نگه داشت ولی / با ظلم و ستمگری نمی‌پاید ملک

(۴) نه هر که ستم بر دگری بتواند / بی‌باک چنان که می‌رود می‌راند

پیداست که امر و نهی تا کی ماند / ناچار زمانه داد خود بستاند

۳۵- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟ (ریاضی ۹۱)

(۱) آتش به دو دست خویش در خرمن خویش / من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش

(۲) گرچه دانم که نیک بد کردم / چه توان کرد چون که خود کردم

(۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله / بر آرد آتش از خود هر چناری

(۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من / تو نیک نبینی و به من بد نرسد

۳۶- مفهوم همهی ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد. (ریاضی ۹۱)

(۱) از صبا پرس که ما را همه شب تا دم صبح / بوی زلف تو همان مونس جان است مرا

(۲) ای صبا سوختگان بر سر ره منتظرند / گر از آن یار سفر کرده پیامی داری

(۳) با صبا افتان و خیزان می‌روم تا کوی دوست / وز رفیقان ره استمداد همت می‌کنم

(۴) من ای صبا ره رفتن به کوی دوست ندانم / تو می‌روی به سلامت سلام ما برسانی

(ریاضی ۹۱)

۳۷- ابیات زیر با کدام بیت تقابل معنایی ندارد؟

- «کهتری را که مهتری یابد / هم بدان چشم کهتری منگر
 خرد شاخی که شد درخت بزرگ / در بزرگیش سرسری منگر»
- (۱) نگوید کس که ناکس جز به چاه است / اگر چه بر شود ناکس به کیوان
 (۲) هر آن کهتر که با مهتر ستیزد / چنان افتد که هرگز برنخیزد
 (۳) همی دانم که گر فربه شود سگ / نه خامم خورد شاید زو نه بریان
 (۴) هرگز به مال و جاه نگردد بزرگ نام / بد گوهری که خبت طبیعتش در رگ است

۳۸- مفهوم عبارات: «کجا هستند پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ‌ها فرمانروایی

می کردند؟ چه بناهایی که صبح برپا بود و عصر ویران گشت!» با همه ی ابیات به استثنای بیت
 تناسب دارد.

(ریاضی ۹۱)

- (۱) خون دل شیرین است آن می که دهد رزبن / ز آب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان
 (۲) چندین تن جَلران کاین خاک فرو خورده است / این گرسنه چشم آخر هم سیر نشد زایشان
 (۳) گفتمی که کجا رفتند آن تاجوران اینک / زایشان شکم خاک است آبستن جاویدان
 (۴) پرویز به هر بومی زَرین تره آوردی / کردی ز بساط زرزین تره را بستان

۳۹- مفهوم بیت: «هم در آن پا برهنه جمعی را / پای بر فرق فرقدان بینی» با کدام بیت تناسب دارد؟ (ریاضی ۹۱)

- (۱) پای پیش و پای پس در راه دین / می‌نهد با صد تردد بی‌یقین
 (۲) خشت زیر سر و بر تارک هفت اختر پای / دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی
 (۳) من طایفه‌ای بر سر آن کوی ندیدم / کز دست غمش جامه‌ی جان چاک نکردند
 (۴) هر که پا از حد خود برتر نهد / سر دهد بر باد و تن بر سر نهد

۴۰- بیت: «اگر پای در دامن آری چو کوه / سرت ز آسمان بگذرد در شکوه» با کدام بیت، قرابت معنایی ندارد؟

(ریاضی ۹۱)

- (۱) زبان آمد از بهر شکر و سپاس / به غیبت نگرداندش حق شناس
 (۲) چو غنچه گرت بسته بودی دهن / دریده ندیدی چو گل پیرهن
 (۳) صدف‌وار گوهر شناسان راز / دهان جز به لؤلؤ نکردند باز
 (۴) نخواهی که باشی چو دف روی ریش / چو چنگ ای برادر سر انداز پیش

۴۱- بیت: «ببیزارم از وفای تو، یک روز و یک زمان / مجموع اگر نشستم و خرسند اگر شدم» با کدام بیت

(ریاضی ۹۱)

قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) اگر دانی که تا هستم نظر جز با تو پیوستم / پس آنگه بر من مسکین جفا کردن صوابستی
 (۲) ز وفا چشم نمی‌دارم چون می‌دانم / که وفاداری در شیوه‌ی خوبان عاراست
 (۳) دلا ببزار شو از جان اگر جانان همی خواهی / که هر کو شمع جان جوید غم جانم نمی‌بینم
 (۴) مرا به علت بیگانگی از خویش مران / که دوستان وفادار بهتر از خویشند

۴۲- مفهوم بیت: «چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم» با کدام بیت متناسب است؟

(ریاضی ۹۱)

- ۱) مستم ولی از روی او غرقم ولی در جوی او / از قند و از گلزار او چون گل شکر پرورده‌ام
- ۲) در جام می آویختم اندیشه را خون ریختم / با یار خود آمیختم زیرا درون پرده‌ام
- ۳) با دلبران و گلرخان چون گلبنان بشکفته‌ام / با منکران دی صفت همچون خزان افسرده‌ام
- ۴) روزی که عکس روی او بر روی زرد من فتد / ماهی شوم رومی رخی، گر زنگی نو برده‌ام

پاسخ تحلیلی آزمون اول (ادبیات عاشقانه)

۱- شاعر می‌گوید که اگر یارم بخواهد مرا به‌زاری بکشد، غمی نیست؛ جانم را تقدیم او خواهم کرد؛ اما تنها ناراحتی من این خواهد بود که نکند از من اشتباهی سرزده‌است که باعث آزرده‌گی خاطر یارم شده‌است ← عاشق تسلیم معشوق است و برایش تنها رضایت او مهم است (نزدیک به مفهوم ۲۷) مطمئناً در میان این گزینه‌ها، **گزینه‌ی سوم** از همه مناسب‌تر است.

۲- **مفهوم محوری تست: جمع‌نشدن عشق و شکیبایی (مفهوم ۲۲)**

معنای گزینه‌ی دوم: آزموده‌ایم و می‌دانیم که با صبوری، کارهای بسته، گشاده می‌شود ← **گزینه‌ی دوم**

۳- **مفهوم محوری تست: دشواری‌های راه عشق؛ عشق کار هر کسی نیست (مفهوم ۱۶)**

می‌بینیم که در بیت اول، شاعر برخلاف دیگران، هر سختی و بلایی را به جان می‌خرد و در بیت چهارم هم از یار به خاطر جفاهایش، سپاسگزار است! (مفهوم ۳۰)

معنای بیت دوم: به جان تو سوگند که حتی دشمنان هم به این راضی نیستند که تو در به روی من - که آشنای توام - ببندی (شاعر از معشوق انتظار دارد که او را به حریم خود راه دهد) ← **گزینه‌ی دوم**

معنای بیت سوم: کسی که در تمام عمر، پشت درِ سرای یاری ننشسته‌باشد و از شدت غم و اندوه سرش را بر در معشوق نکوبیده‌باشد، چه می‌داند که عشق چیست؟ (پس عشق با رنج و مصیبت همراه است.)

۴- **مفهوم محوری تست: حسرت بر گذشته‌ها (و دل‌بستگی به زادگاه)؛ اما در گزینه‌ی اول شاعر می‌گوید که دوران شوم و ملال‌انگیز به پایان رسیده‌است.**

۵- **مفهوم محوری تست: غم‌پرستی (مفهوم ۳۲) ← گزینه‌ی اول**

۶- **مفهوم محوری تست: جان‌فشانی (مفهوم ۳۵)**

شاعر در بیت اول می‌گوید که جانم فدای شکر شیرین شورانگیز یار، یعنی جانم فدای لب شیرین او؛ قبول دارید که در این جا در واقع دارد لب یارش را تحسین می‌کند و نهایت آرزومندی خود را برای رسیدن به یار نشان می‌دهد، اما قصد جان‌فشانی ندارد ← **گزینه‌ی سوم** مناسب‌تر است.

(راستی؛ بیت «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک» با کدام گزینه‌ی این تست تناسب مفهومی دارد؟^۱)

۷- مفهوم محوری تست: یگانگی معشوق (مفهوم ۴۰) ← گزینه‌ی دوم

در بیت سوم، شاعر می‌گوید که باد صبا با دیدن قد و قامت او، همه‌ی سروها را ریشه‌کن کرد ← او از سروها خوش‌قد و قامت‌تر است. (مفهوم بیت آخر را که به یاد دارید؟ بله، همان مفهوم ۴۸ ادبیات عرفانی است.)

۸- معنای بیت: من مانند شاخه‌ی تشنه‌ای هستم در فصل بهار و تو مانند هوای ابری و بارانی؛ پس عاشق از دوری معشوق در رنج و عذاب است اما امیدوار است که باران محبت معشوق بر او ببارد و نیاز او را برآورده سازد؛ بنابراین معشوق خود را بی‌وفا نمی‌داند، بلکه تنها از دوری او در عذاب است ← آفرین بر شما به خاطر انتخاب **گزینه‌ی سوم**؛ به عنوان جایزه قسمتی کوتاه از شعر زیبای «من و تو، درخت و بارون»، سروده‌ی احمد شاملو را- که با این بیت نزدیکی زیادی دارد- با هم می‌خوانیم:

من باهارم، تو زمین
من زمینم، تو درخت
من درختم، تو باهار
نازِ انگشتای بارونِ تو، باغم می‌کنه
میون جنگلا طاقم می‌کنه!

۹- مفهوم محوری تست: عشق در حد فهم همگان نیست (مفهوم ۱۱)

معنای بیت اول: کرمی که همین حالا در تنه‌ی یک درخت به‌وجود آمده‌است فهمی از گذشته‌ی درخت ندارد. معنای بیت دوم: برای من کافی است که وجودم پر از عشق گل (معشوق) باشد زیرا من در طلب چیزی به‌جز گل (معشوق) نیستم.

معنای بیت سوم: بلبل می‌تواند نهایتاً عاشق گلی بشود و تاب و توان سیمرغ در وجود او نیست. معنای بیت چهارم: پشه‌ای که در تابستان به‌دنیا می‌آید و در زمستان می‌میرد چه درکی از باغ و سرگذشت آن می‌تواند داشته‌باشد.

همان‌طور که می‌بینید بیت‌های اول، سوم و چهارم هر کدام به نوعی به ناتوانی و محدودیت درک و فهم اشاره دارند اما ماجرای بیت دوم چیز دیگری است ← آفرین بر شما که **گزینه‌ی دوم** را انتخاب کرده‌اید!

۱۰- مفهوم محوری تست: عشق پنهان‌کردنی نیست. (مفهوم ۱۳) ← گزینه‌ی چهارم

۱۱- مفهوم محوری تست: حال عاشق را تنها عاشق می‌فهمد و بس.

معنای بیت سوم: فرد ناپخته‌ای که در این دنیا آتش عشق را به جان نخریده‌باشد، فردا گرفتار آتش دوزخ خواهد شد ← **گزینه‌ی سوم** (آیا «ی» در پایان «خامی» نشانه‌ی نکره است؟ بین «و» و «) باید درنگ بیاید یا کسره؟)

۱- نه، «ی» مصدری است: خامی = خام بودن. باید درنگ بیاید.

۱۲- مفهوم محوری تست: رهایی‌ناپذیری عشق (مفهوم ۷) ← گزینه‌ی چهارم

۱۳- مفهوم محوری تست: محو تماشای یار (مفهوم ۴۶) ← گزینه‌ی دوم

شاعر در بیت سوم می‌گوید: برای آن که گوشه‌ای از زیبایی‌های او را وصف کنم باید تمام وجودم زیان شود و در بیت چهارم هم می‌گوید که عشق باعث شده که من سر از پا نشناسم. (گول که نخوردید؟)

۱۴- مفهوم محوری تست: عاشقان هرگز نمی‌میرند (مفهوم ۵) ← گزینه‌ی چهارم

۱۵- مفهوم محوری تست: نازکردن معشوق در عین نیاز به عاشق (تست ۷۰)

این مفهوم در بیت صورت سؤال و بیت گزینه‌ی دوم دقیقاً دیده می‌شود. در بیت‌های اول و سوم بیش‌تر بی‌وفایی معشوق پس از دل‌بردن از عاشق (مفهوم ۱۷) مطرح است که البته با مفهوم بیت صورت سؤال بی‌ربط نیست. در بیت چهارم فقط نیاز عاشقان به معشوق مطرح شده است و از نازکردن یا بی‌وفایی معشوق خوشبختانه خبری نیست! (گزینه‌ی چهارم)

۱۶- مفهوم محوری تست: رهایی‌ناپذیری و چیرگی عشق (مفهوم ۷) ← گزینه‌ی چهارم

۱۷- مفهوم محوری تست: سختی‌های عشق و رنج هجران (نزدیک به مفهوم ۱۶)

در گزینه‌ی دوم شاعر از یار سنگ‌دل خود شکایت دارد که فقط به بدبختی‌های او خندیده و تا هنگام پیری نیز به او روی خوش نشان نداده تا عاشق احساس خوش‌بختی کند. همان‌طور که می‌بینید شکایت شاعر در این بیت از رفتار معشوق است نه سختی‌های عشق یا هجران. (در مصراع دوم بیت چهارم، «به وصال» یعنی چه؟^۱)

۱۸- مفهوم محوری تست: پایان‌ناپذیری عشق (مفهوم ۶) ← گزینه‌ی دوم

در گزینه‌ی دوم رهایی‌ناپذیری عشق (مفهوم ۷) مطرح شده است.

۱۹- مفهوم محوری تست: عشق و رسوایی (مفهوم ۱۴) ← گزینه‌ی اول

۲۰- مفهوم بیت صورت سؤال این است که «ذات هر چیز اهمیت دارد نه ظاهر آن» هم‌چنان‌که لعل ذاتاً ارزشمند است و اگر مهر سلطان یا خزانه نیز روی آن حک نشده باشد ارزشش از دست نمی‌رود. در بیت‌های اول و دوم مضمون بی‌نیازی روی زیبا از آرایش و زیور (مفهوم ۳۹) مطرح شده است که به‌نوعی هم‌راستا با همین مفهوم است. گزینه‌ی چهارم نیز بی‌ربط به این مفهوم نیست زیرا توانگری واقعی را در درون انسان جست‌وجو می‌کند و به ظاهر توجهی ندارد؛ اما گزینه‌ی سوم حدوداً مضمونی متضاد با بیت صورت سؤال دارد و می‌گوید، خاتم (انگشتر) به ذات خود چندان ارزشمند نیست و قیمت آن در گرو نگینش است نه خودش. (همان‌طور که می‌بینید چهار بیت دیگر کاملاً هم‌مفهوم نیستند اما بیت گزینه‌ی سوم کاملاً بی‌ربط یا حتی متضاد

۱- مطمئنم که خودتان به پاسخ رسیده‌اید؛ بله یعنی «سوگند به وصال تو».

بیت صورت سؤال است که بر همین اساس می شود به نظر طراح پی برد و گزینه ی درست را برگزید.

۲۱- مفهوم محوری تست: عشق دورادور (مفهوم ۴۳)

در بیت گزینه ی نخست حدوداً این مفهوم دیده می شود. در بیت سوم و چهارم نیز عاشق، حتی اگر به یار نرسد، تا دم مرگ دست از عشق او نمی کشد که می توان نتیجه گرفت که به همین عشق دورادور خود با معشوق دل خوش است؛ اما در بیت **گزینه ی دوم** با عاشق کامروای خوش اقبالی روبه رو هستیم که به وصال یار رسیده است و به این زودی ها هم نمی خواهد دست از سر معشوق بردارد!

۲۲- در هر چهار بیت مفهوم پنهان ناکردنی بودن عشق (مفهوم ۱۳) مطرح شده است؛ پس باید ببینیم که مضمون عبارت صورت سؤال با کدام بیت تناسب بیش تری دارد. در سه بیت اول، این اشک عاشق است که راز او را برملا می کند اما در بیت چهارم دیده ی عاشق افشاگر راز عشق است هم چنان که در عبارت صورت سؤال.

۲۳- مفهوم محوری تست: امیدواری (نزدیک به مفهوم ۲۵) ← گزینه ی چهارم

۲۴- مفهوم محوری تست: عیب پوشی عاشقانه (مفهوم ۳۷) ← گزینه ی اول

۲۵- مفهوم محوری تست: صبر و استقامت در راه عشق (مفهوم ۲۳) ← گزینه ی اول

۲۶- مفهوم محوری تست: عاشق در پی خواسته های خود نیست (مفهوم ۲۶) و جان فشانی (مفهوم ۳۵) ← گزینه ی سوم

۲۷- در بیت های سوم و چهارم، مضمون **رویدن گل بر مزار عاشقان یا شهیدان** (مفهوم ۴۹) دیده می شود. در بیت دوم، در واقع شاعر لاله ها را به شهیدان یا به عاشقان خونین کفن مانند کرده است که همان مضمون قبلی نیست اما نسبت به بیت **گزینه ی نخست** بسیار به آن نزدیک تر است. معنای بیت نخست: نه تنها نوگل خندان باغ عشق (معشوق زیبایم) از من روگردان است بلکه حتی خارهای بیابان فراق نیز از من دوری می گزینند! (هیچ کس با من سر یاری و همراهی ندارد).

۲۸- مفهوم محوری تست: غم پرستی (مفهوم ۳۲) ← گزینه ی سوم

۲۹- مفهوم محوری تست: رهایی ناپذیری عشق (مفهوم ۷)

این مفهوم آشکارا در بیت های اول و دوم مطرح شده است. مفهوم بیت سوم این است که شور و اشتیاق عشق هرگز فروکش نمی کند (پایان ناپذیری عشق) و در بیت چهارم شاعر می گوید که عاشق با پای خودش به دام عشق درمی آید. خُب، بین این دو گزینه کدام یک از مفهوم بیت صورت سؤال دورتر است؟ مطمئناً **گزینه ی چهارم** (دقت کنید که در بیت صورت سؤال این معشوق است که دل عاشقان را صید کرده است اما در بیت چهارم ...)

۳۰- در بیت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ مفهوم امید به آینده (نزدیک به مفهوم ۲۵) دیده می‌شود در حالی که بیت **گزینه‌ی سوم** از ناپایداری دنیا سخن می‌گوید. (در بیت دوم «کشتی بکن = چیزی بکار» را درست خواندید؟ بیت‌های اول و چهارم، شما را به یاد کدام ضرب‌المثل می‌اندازد؟)

خُب، چه طور بود؟ کمی سخت بود؟ قبول دارم. به هر حال اگر درصد پاسخ‌گویی‌تان بالاتر از ۵۵ بوده باشد، وضعیتتان قابل قبول است و احتمالاً در آزمون‌های بعدی موفق‌تر خواهید بود؛ پس با امید به آینده به پیش!

پاسخ تحلیلی آزمون دوم (ادبیات عارفانه)

۱- مفهوم محوری تست: برای رسیدن به خدا باید از دنیا برید. (مفهوم ۲۷)
گزینه‌های اول، دوم و چهارم هر کدام از جهتی به درویشی و قناعت و ارزش این امر اشاره دارند اما گزینه‌ی سوم هیچ ارتباطی با این مفهوم ندارد. ← گزینه‌ی سوم

۲- مفهوم محوری تست: همه چیز زیبا و عظیم است (مفهوم‌های ۶ و ۷) ← گزینه‌ی اول

۳- مفهوم محوری تست: وحدت وجود (مفهوم ۷) ← گزینه‌ی دوم

۴- مفهوم محوری تست: فناء فی الله (مفهوم ۳۰) ← گزینه‌ی اول

۵- مفهوم محوری تست: تقابل تشریح و عرفان (مفهوم ۲۲) ← گزینه‌ی اول

۶- مفهوم محوری تست: عامل همه‌ی کارها خداست (مفهوم ۹) ← گزینه‌ی سوم

۷- مفهوم محوری تست: تو خود حجاب خودی (مفهوم ۳۱) ← گزینه‌ی سوم

۸- مفهوم محوری تست: میل به بازگشت به سوی خدا (مفهوم ۱۹) ← گزینه‌ی اول

معنای بیت اول: شب‌ها از غم خواب به چشمانم نمی‌آید و تا دم صبح آن قدر آه می‌کشم که آهم مانند پشه‌بند^۱ یا خیمه‌ای دورم را می‌گیرد و چشمانم از شدت گریستن به خون می‌نشینند.
(خُب، بگوئید ببینم، معنای مصراع اول بیت سوم چیست؟)^۲

۹- مفهوم محوری تست: وارستگی (مفهوم ۲۶)؛ اما گزینه‌ی دوم، تحمل و استقامت سرو را ستایش می‌کند.

۱۰- مفهوم محوری تست: عشق مایه‌ی کمال وجود انسان است. (مفهوم ۱۳)

شاعر در بیت سوم می‌گوید: اگر مهربانی تو نصیب من شود به اوج آسمان می‌رسم. در بیت چهارم از عشق یا لطف الهی سخن نمی‌گوید و فقط می‌گوید: نه در خاک خواهم ماند و نه در آسمان توقف خواهم کرد بلکه جایگاه من در جوار خدا است؛ بنابراین بین این دو گزینه، مجبوریم گزینه‌ی سوم را انتخاب کنیم.

۱- حتماً می‌دانید که دود، پشه‌ها را می‌راند؛ پس عجیب نیست که خاقانی، آه خود را- که هم‌چون دودی است که از سینه‌ی آتش گرفته‌ی او برمی‌آید- به پشه‌بند تشبیه کرده‌باشد!

۲- مگر نگفتم که یک مصراع همیشه یک جمله‌ی کامل نیست (← مورد ۴، بخش دوم، فصل اول)؛ در این‌جا مصراع اول جمله‌ی کاملی نیست و معنای مشخصی ندارد، پس حتماً باید مصراع دوم را بخوانیم تا به معنای آن پی ببریم:
بلبل گلشن قدس هستم که از جور فلک / بی‌گنه بسته‌ی زندان و گرفتار قفس شدم

۱۱- پس باید به دنبال بیتی باشیم که بگوید: نگذار زیبایی هیچ چیزی تو را به خود جلب کند ← **گزینه‌ی چهارم** (به فعل «نقض می‌کند» در متن تست توجه کردید؟) (البته در نبود گزینه‌ی چهارم، گزینه‌ی سوم هم می‌توانست پاسخ نسبتاً قابل قبولی باشد!)

۱۲- **مفهوم محوری تست: فناء فی الله (مفهوم ۳۰)** ← **گزینه‌ی چهارم** (بعث: برانگیخته شدن؛ روز بعث: روز رستاخیز؛ شرط روز بعث: شرط رستگاری در آخرت)

۱۳- **مفهوم محوری تست: بی توجهی به بهشت (مفهوم ۳۴)**
معنای بیت اول: حاضریم برای به دست آوردن رضایت تو از جان و جهان بگذرم (نه بهشت).
مفهوم بیت دوم: باید در دل فقط عشق خدا باشد و بس.

معنای بیت سوم: اگر امکان راه یافتن به هشت بهشت را هم داشته باشم، از عشق تو دست نمی‌کشم و نشستن بر در سرای تو و انتظار کشیدن برای دیدار تو را رها نمی‌کنم. ← **گزینه‌ی سوم**
معنای بیت چهارم: شاعر (صائب تبریزی) می‌گوید که اگر بر دروازه‌ی بهشت، رضوان (دربان بهشت) باشد، وارد بهشت نمی‌شوم، چه رسد به خانه‌ی یاری که در آن دربان (یا غریبه‌ای) باشد.

۱۴- **مفهوم محوری تست: بی توجهی به دنیا (نزدیک به مفهوم ۴۰)** ← **گزینه‌ی چهارم**

۱۵- **مفهوم محوری تست: ابدی بودن عشق (مفهوم ۲۰)** ← **گزینه‌ی نخست**
مفهوم بیت گزینه‌ی نخست، بی‌خوابی عاشق (مفهوم ۲۰ ادبیات عاشقانه) است.
(راستی، مصراع اول گزینه‌ی چهارم را چگونه خواندید؟^۱)

۱۶- **مفهوم محوری تست: بی توجهی به بهشت (مفهوم ۳۴)** ← **گزینه‌ی چهارم**
(خَمْر: شراب / عَذْب: گوارا)

۱۷- مفهوم محوری این تست، بی‌توجهی به دنیا و آخرت است که در هیچ‌یک از گزینه‌ها دیده نمی‌شود؛ اما در **گزینه‌ی سوم** بی‌توجهی و دل‌کندن از دنیا آشکار است که به‌همین دلیل بین این چهار گزینه، می‌تواند پاسخ این تست باشد.

۱۸- **مفهوم محوری تست: اختیار عارف در دست خداست. (مفهوم ۱۰)**
مفهوم بیت صورت سؤال این است که در راه عرفان باید دست به کارهایی زد که از دید شیخ و زاهد ظاهر بین، گناه و رسوایی به حساب می‌آید، اما این کارها خواست و اراده‌ی خداست و باید به آن‌ها تن‌داد (مثل پوشیدن خرقه‌ی شراب‌آلوده).

۱- من این‌طور می‌توانم؛ وَر بدانم به درِ مرگ که حَشْرَم با توست (حَشْر: قیامت، زنده شدن پس از مرگ)

در **گزینه‌ی نخست** نیز همین مفهوم دیده می‌شود: زلف دلدار ما را به بستن زنار- که نشانه‌ی کفر است- فرا می‌خواند؛ پس ای شیخ در پی کارت برو و ما را به حال خود بگذار که برای جلب رضایت معشوق خرجه از تن بیرون خواهیم کرد و زُنار خواهیم بست. البته در گزینه‌ی سوم نیز، حافظ دلق خود را با شراب تطهیر می‌کند! اما در این جا قصد او کسب رضایت معشوق و عمل کردن به اراده‌ی او نیست بلکه دوری جُستن از ریا و ظاهر‌نمایی علت این کار بیان نشده است. (دوری از زهد ریایی، مفهوم ۲۵)

۱۹- مفهوم محوری تست: **خود را هیچ انگاشتن** (مفهوم ۲۹) یا **تو خود حجاب خودی** (مفهوم ۳۱)

معنا و مفهوم عبارت متن تست: برای رسیدن به خدا باید خودی خود را فراموش کنی و برای خود هیچ وجودی قائل نشوی.

معنای **گزینه‌ی چهارم**: اگر روزی صدبار در راه خدا کشته هم بشوی، تا خود را در میانه بینی و برای خودت وجودی قائل باشی، با آتش پرستان (گبران) تفاوتی نداری و به خداپرستی واقعی نمی‌رسی.

۲۰- با دیدن بیت‌های دوم و سوم، مفهوم محوری تست پیدا می‌شود: **تقابل عشق و عقل** (مفهوم ۲۱) روشن است که **گزینه‌ی چهارم** هیچ ارتباطی با این مفهوم ندارد. مفهوم اصلی بیت نخست، بی‌کرانگی و رهایی‌ناپذیری عشق است اما در مصراع دوم آن به تقابل هوشمندان (عاقلان) و عاشقان نیز اشاره شده است؛ درواقع شاعر می‌گوید: اگر اهل هوش و زندگی عاقلانه هستی، خود را گرفتار عشق نکن، چون اگر عاشق شوی، امکان رهایی از آن را نداری و دیگر نمی‌توانی عاقلانه و هوشمندانه زندگی کنی.

۲۱- درست است که در همه‌ی بیت‌ها واژه‌ی «فنا» آمده است اما مطمئناً این بازی‌ها دیگر برای شما سرگرم‌کننده نیست! (آفر شما بزرگ شده‌اید؛ کنکور دارید. از وقت بازی کردن گزشته است!) در بیت نخست مستقیماً سخن از فنای عاشقان است.

در بیت دوم شاعر می‌گوید که تا فرورفتن در دهان^۱ بحر فنا (تا پایان زندگی مان) فرصت زیادی نداریم؛ پس ای ساقی، فرصت را غنیمت‌شمار و لبان تشنه‌ی ما را از شراب عشق سیراب کن (خوش‌باشی و دم غنیمت‌شماری).

در بیت سوم، شاعر جهان فانی (دنیا) و جهان باقی (آخرت) را یکسر فدای عشق و معشوق می‌کند (نه دنیا نه آخرت، فقط عشق خدا).

مفهوم بیت چهارم را هم که همه می‌دانیم ← اگر گزینه‌ای غیر از **گزینه‌ی نخست** را انتخاب کرده‌اید، فقط به حساب کم‌دقتی تان می‌گذارم و بس!

۲۲- مفهوم محوری تست: **رازداری و بی‌خودی عارفانه** (مفهوم ۳۲) ← **گزینه‌ی چهارم**

۱- «دهان» در این بیت ایهام دارد. ابتدا معنی همیشگی آن به ذهن می‌رسد، اما درواقع «دهان و عمق دریا» مورد نظر شاعر است.

۲۳- مفهوم محوری تست: نه دنیا نه آخرت، فقط خدا (مفهوم ۳۵) ← گزینه‌ی چهارم

۲۴- مفهوم محوری تست: تأثیر مثبت موسیقی حتی بر جانوران (این مفهوم را بررسی نکرده‌بودیم، اما بسیار مفهوم روشنی است و برای شما هم مطمئناً آشناست).

حُب، لطفاً حالا بگویید معنا و مفهوم بیت چهارم چیست؟ (هتماً خودتان فکر کنید).

پاسخ: شاعر خطاب به مال‌اندوزان بدکار و ستم‌پیشه می‌گوید که افزودن بر تعداد شترها و چارپایان (معاذل امروزی‌اش می‌شود، اتومبیل‌ها و کشتی‌ها و هواپیماهای ششمی و ...) وقتی به حالتان سودمند خواهد بود که بتوانید روز قیامت گناهانتان را بار آن‌ها کنید! (اما این‌گونه نیست و تمام گناهان را باید خودتان به دوش بکشید، پس مال و ثروت در آن دنیا گرهی از کار شما نمی‌گشاید). ← گزینه‌ی چهارم

۲۵- مطمئنم گزینه‌ی چهارم را انتخاب کرده‌اید و به احتمال زیاد نتیجه‌ی این آزمون از آزمون اول بهتر است؛ لطفاً درصد بگیریید تا مطمئن شویم.

پاسخ تحلیلی آزمون سوم (ادبیات تعلیمی)

- ۱- مفهوم محوری تست: نباید در میان سخن دیگران، سخن گفت ← گزینه سوم
معنای بیت اول: وقتی قصد سخن گفتن کن که بدانی سخنت تأثیری دارد. (بسیج کردن: عزم کردن)
معنای بیت چهارم: در کنار دوستان آهسته سخن بگو تا صدایت به گوش دشمنانت نرسد.
(گوش داشتن: دزدیده گوش دادن، استراق سمع)
- ۲- مفهوم محوری تست: سررشته‌ی همه‌ی کارها به دست خداست. (مفهوم ۴۴) ← گزینه‌ی چهارم
معنای بیت دوم: شرط درست زندگی کردن برای بزرگان این است که از حال و روز زیردستان خود باخبر باشند.
معنای بیت سوم: شنیده‌ام که در روز رستاخیز خدا به خاطر نیکان، بدکاران را می‌بخشاید.
- ۳- مفهوم محوری تست: از دست رفتن قدرت دنیایی (مفهوم ۲۴)؛ هیچ‌یک از بیت‌ها بر این مفهوم تأکید ندارند
اما از آن جا که در گزینه‌ی دوم نیز نابسامان شدن سریع اوضاع و سقوط از اوج وصال به حضيض هجر سخن
رفته‌است تنها گزینه‌ی نسبتاً مناسب، همین گزینه‌ی دوم است.
- ۴- مفهوم محوری تست: بدی را با خوبی پاسخ دادن (مفهوم ۲) ← گزینه سوم
ابرم که تلخ گیرم شیرین عوض دهم: مانند ابرم که آب تلخ دریا را می‌گیرد و قطره‌های گوارای باران را بر دریا می‌بارد.
- ۵- مفهوم محوری تست: غیبت نکردن (مفهوم ۳۵)؛ باز هم هیچ‌کدام از گزینه‌ها مستقیماً این مفهوم را
نمی‌رساند اما یکی از مصداق‌های گزینه‌ی دوم می‌تواند غیبت نکردن باشد.^۱ ← گزینه‌ی دوم
- ۶- بیت اول می‌گوید خورشید چون مجرد و تنها می‌رود و وابسته‌ی کسی نیست، به اوج آسمان می‌رسد. بیت
دوم را که می‌شناسید؛ شاعر می‌گوید که اختیار من در دست خداست (← مفهوم ۱۰ ادبیات عرفانی). بیت
سوم تتبع و پیروی را نکوهش می‌کند و می‌گوید این که کارت تاز و نو باشد حتی مهم‌تر از آن است که خوب
یا بد باشد. بیت چهارم می‌گوید که با تقلید کارهای بزرگان نمی‌توان به بزرگی رسید.^۲ ← گزینه‌ی دوم
- ۷- مفهوم محوری تست: برتری دانشمندان بر حاکمان (تست ۶۷ ادبیات تعلیمی) ← گزینه‌ی دوم

۱- مفهوم اصلی بیت: رازی را که نمی‌خواهی همه از آن آگاه شوند در خفا برای یک نفر هم بر زبان نیاور. و چون فردی که از دیگری غیبت می‌کند معمولاً نمی‌خواهد که بدگویی‌اش به گوش او برسد، می‌توانیم غیبت را هم مصداق همان سخنی بدانیم که نمی‌خواهیم همگان از آن آگاه شوند.

۲- زندگی کردن در یک خم (بشکه‌ی شراب) و به حداقل زندگی قناعت کردن را به دیوژن (دیوجانس) حکیم یونانی نسبت می‌دهند که شاعران ما گاهی به اشتباه او را با افلاطون یا دیگر بزرگان یونان قدیم اشتباه می‌گرفته‌اند.

- ۸- مفهوم محوری تست: جبر گرایبی و ناگزیر بودن مرگ (مفهوم‌های ۴۵ و ۴۶) ← گزینه‌ی سوم
معنای بیت چهارم: قضا و سرنوشت انسان در دست آسمان است؛ به همین دلیل به انسان می‌گویند بنده (یعنی او آزاد نیست بلکه اسیر دست سرنوشت است).
- ۹- مفهوم محوری تست: انتقاد از جبر گرایبی ← گزینه‌ی اول (در این بیت «به جای» یعنی چه؟)
- ۱۰- مفهوم محوری تست: پایان هر صعود، سقوط است. (تست ۲۳ ادبیات تعلیمی) ← گزینه‌ی سوم
معنای بیت اول: ای دل در مرگ محتسب (مأمور اجرای مجازات‌های شرعی) خودنمایی نکن و خودت را مصیبت‌زده نشان نده؛ زیرا همه می‌دانند که برای تو مرگ چنین کسی مصیبت بزرگی نیست.
معنای بیت دوم: از نظر اهل کمال، شاد و غمگین بودن از زیاد و کم شدن مسائل دنیوی مایه‌ی کاستی و نقصان شخصیت انسان است (نباید به مسائل دنیایی توجهی داشت).
- ۱۱- مفهوم محوری تست: از ماست که برماست. (مفهوم ۴۷) ← گزینه‌ی سوم
- ۱۲- مفهوم محوری تست: دوری از هم‌نشین بد (مفهوم ۲۲) ← گزینه‌ی دوم
- ۱۳- مفهوم محوری تست: اصالت ذات (مفهوم ۲۱) ← گزینه‌ی دوم
- ۱۴- مفهوم محوری تست: اصل و نسب اهمیت ندارد. (مفهوم ۲۰)
معنای بیت سوم: تا گهر و اصل کسی خوب نباشد، هنری از او بر نمی‌خیزد؛ هم‌چنان‌که همه‌ی کسانی که با اصل و نسب و نژاده هستند، صاحب هنر و توانایی‌اند (شاعر، اصل و نسب را مایه‌ی برتری و فضل می‌داند) ← آفرین بر شما که گزینه‌ی سوم را انتخاب کرده‌اید.
(راستی، «گرد» را در بیت اول درست خواندید؟)
- ۱۵- مفهوم محوری تست: دوراندیشی و آینده‌نگری (مفهوم ۱۲)
معنای بیت اول: آیا این‌طور نیست که صیادی که هر روز شکاری صید می‌کند، یک روز نیز از سر اتفاق پلنگی او را شکار می‌کند و از هم می‌درد؟ (زندگی اعتبار ندارد؛ «گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت».) ← گزینه‌ی اول
- ۱۶- مفهوم محوری تست: درویش‌نوازی (مفهوم ۹)
معنای بیت سوم: دیگر به من توجهی نشان نمی‌دهی؛ گویا فرد دیگری را از زیبایی خود بهره‌مند ساخته‌ای (گویا یاری به جز من برگزیده‌ای) ← گزینه‌ی سوم
- ۱۷- مفهوم محوری تست: کار را به کاردان سپردن (مفهوم ۱۱) ← گزینه‌ی سوم^۱

۱- سَفَهَا: افراد سفیه و نادان؛ خُدلان: مخدول‌شدن، پستی و حقارت

۱۸- مفهوم محوری تست: همه‌ی کم و زیاد شدن‌ها به دست خداست. (مفهوم ۴۳) ← گزینه‌ی دوم

۱۹- مفهوم سه بیت آخر به هم نزدیک است (سنجیده سخن گفتن، کم‌گویی و گزیده‌گویی) اما در هیچ‌یک از گزینه‌ها، این بیت‌ها را کنار یک‌دیگر نمی‌بینیم؛ پس باید به سراغ بیت‌های دیگری برویم؛ معنای بیت‌های «ب» و «ج» نیز نزدیک به هم است: بی‌تأثیر بودن سخن برای کسی که نمی‌خواهد بشنود ← آفرین بر شما که آرامش خودتان را حفظ کردید و بدون ترس از عرض‌اندازم (۱) این تست، گزینه‌ی اول را انتخاب کردید. یک پرسش مهم: در بیت «ج»، «بیدل» منادا است یا نهاد؟ (فوب فکر کنید!)

۲۰- شاعر در بیت گزینه‌ی نخست به یار خود می‌گوید که مانند وقت، ناپایدار و مانند روزگار بی‌وفا نباش پس در واقع مفهوم این بیت، بیان نیازمندی عاشق به بودن یار در کنارش است، درحالی‌که در سه بیت دیگر، مفهوم دل‌ن بستن به امور ناپایدار دیده می‌شود. ← پاسخ‌دادن به این تست علاوه بر درک ادبی نیاز به دقت بالا داشت که با خستگی ذهنی جور در نمی‌آید. پس لطفاً اگر خسته‌اید، لطفاً به سراغ آزمون‌های بعد نروید؛ ممنونم!

۲۱- در این حکایت دو مفهوم مهم بیان شده است؛ یکی آن‌که برپایه‌ی ظاهر افراد نباید درباره‌ی باطن و ارزش وجود آن‌ها قضاوت کرد، که در بیت اول دیده می‌شود. مفهوم دوم این است که، هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید، خداوند کدام بنده را دوست می‌دارد و کدام بنده را از خود می‌راند. این را فقط خود خدا می‌داند و بس؛ پس بهتر است براساس سخن مردم یا گفته‌ی زاهدان و خشک‌مغزان در مورد بندگان خدا قضاوت نکنیم و آن‌ها را فاسق و کافر نامیم. این مفهوم در بیت‌های سوم و چهارم دیده می‌شود. به این بیت از حافظ نیز توجه کنید:

«صالح و طالح (بدکار) متاع خویش نمودند / تا که قبول افتد که در نظر آید؟»

اما مفهوم بیت گزینه‌ی دوم چیست؟ بله، «درویش‌نوازی» (مفهوم ۹) که هیچ ارتباطی با حکایت متن پرسش ندارد. (پرسش زیبایی بود و زیباتر از آن پاسخ درست شما!)

۲۲- مفهوم محوری تست: برجا گذاشتن نام نیک (مفهوم ۲۹) ← گزینه‌ی سوم

مفهوم بیت سوم راست‌گویی و پرهیز از دروغ است. (مفهوم ۱۳)

(«به» در بیت دوم و چهارم با کدام حرف اضافه برابر است؟ «راست» در بیت چهارم یعنی چه؟)

۲۳- مفهوم محوری تست: تقلید نکردن از دیگران و راضی بودن به آنچه هستیم ← گزینه‌ی چهارم (مفهوم)

۱- اگر بیت را مرتب کنیم، پاسخ این پرسش روشن می‌شود: تو گمان مبر که بیدل و عاشق نصیحت تو را قبول کند. من (که عاشقم) اصلاً گوشه‌ی برای شنیدن حرف کسی ندارم. داری برای چه کسی حرف می‌زنی؟ (به زبان خودمانی می‌گوید من عاشقم، خودت را خسته نکن، گوشم به حرف‌هایت بدهکار نیست!)

۲- این مفهوم حدوداً در نقطه‌ی مقابل ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست» قرار دارد.

۳- به = با / راست = را + است

این بیت، ترحم نکردن بر بدان و ستمکاران است.

۲۴- مفهوم محوری تست: پرهیز از افزون‌خواهی (مفهوم ۱۸) ← گزینه‌ی سوم

۲۵- مفهوم محوری تست: ناتوانی در پی‌بردن به حقیقت / ناگشودنی‌بودن راز هستی (مفهوم ۳۹)

بیت گزینه‌ی اول به‌ظاهر با بیت صورت سؤال شباهت دارد اما مفهوم مطرح‌شده در آن فقط ناتوانی و حقارت است و هیچ صحبتی از عدم‌درک حقیقت در آن نیست. بیت اول یادآور این بیت معروف است: «جایی که عقاب پر بریزد / از پشه‌ی ناتوان چه خیزد؟»

۲۶- مفهوم محوری تست: از دست‌رفتن قدرت دنیایی (مفهوم ۲۴) ← گزینه‌ی سوم

۲۷- مفهوم محوری تست: خدا در حد درک ما نیست (مفهوم ۴۰)

معنای بیت نخست: خداوند سر و دست آدمی را آفرید. دست‌ها را برای بخشیدن به انسان داد و سر را برای عبادت پروردگار.

معنای بیت دوم: چشمان انسان می‌توانند دریچه‌ای باشد، برای شناخت آسمان و زمین (زمی).

معنای بیت سوم: کسی که توجهش به دست و پایش (جسم مادی‌اش) است، توان درک خدا را ندارد. ← گزینه‌ی سوم

معنای بیت چهارم: خدا عشق را در دل انسان جای داد و آن‌گاه انسان سر بر آستان بندگی او نهاد.

۲۸- مفهوم عبارت صورت سؤال، تأثیر مثبت تربیت بر افراد نادان و بدرفتار است. خُب، حالا طراح مفهوم مقابل^۱ آن را خواسته‌است که حدوداً می‌شود همان مفهوم اصالت ذات. (مفهوم ۲۱) ← گزینه‌ی دوم

۲۹- مفهوم محوری تست: ناسازگاری دنیا با اهل هنر و دانش (مفهوم ۴۵ ادبیات عرفانی)

مفهوم بیت اول: ارزش انسان به خوبی و بخشنده‌گی اوست نه به ظاهر انسانی‌اش ← گزینه‌ی اول

معنای بیت چهارم: دانش و ثروت^۲ به گل سرخ^۳ و گل نرگس می‌مانند که هرگز در یک فصل نمی‌رویند ← اهل دانش، صاحب ثروت نمی‌شوند و ثروتمندان هم دانشمند نمی‌شوند!

۳۰- مفهوم محوری تست: امید به بخشایش خدا (مفهوم ۵۲) ← گزینه‌ی سوم^۴

۱- این تست غیراستاندارد است؛ زیرا واژه‌ی «مقابل» امروزه به معنای «روبرو» به کار می‌رود نه متضاد. من تنها جهت اطمینان خواستم که شما را با این شگرد تستی هم آشنا کنم اما اگر به دلیل توجه نکردن به واژه‌ی «مقابل» نتوانستید به این تست پاسخ دهید، می‌توانید آن را از آزمون خود حذف کنید.

۲- «خواسته» در گذشته به معنای «دارایی و ثروت» هم به کار می‌رفته است.

۳- گفته بودم که در ادبیات قدیم، هرگاه واژه‌ی «گل» را به تنهایی دیدید، به معنای «گل سرخ» است.

۴- منظور از «سنگ» در گزینه‌ی چهارم، بتی است که از سنگ تراشیده شده است.

پاسخ تحلیلی آزمون چهارم (کلی)

- ۱- مفهوم محوری تست: سفارش به گوشه‌گیری (تست ۳۰ ادبیات تعلیمی)
 معنا و مفهوم بیت دوم: اگر هنرمند بخواهد گوشه‌گیری پیشه‌کند، کجا می‌تواند به کمک هنرش به خواسته‌های دلش برسد! ← هنرمند باید هنرنمایی کند نه گوشه‌گیری؛ این مفهوم در بیت زیر نیز دیده می‌شود (این بیت را در فصل اول برایتان معنا کرده بودم):
 فضل و هنر ضایع است تا نمایند / عود بر آتش نهند و مشک بسایند
 سعدی
 انتخاب گزینه‌ی دوم نشانه‌ی دقت تحسین برانگیز شماس است!
- ۲- مفهوم محوری تست: از دست رفتن قدرت دنیوی و نابسامان شدن اوضاع (مفهوم ۲۴ ادبیات تعلیمی)
 در گزینه‌های اول تا سوم، شاعر در حسرت گذشته‌ی خوب و بسامان خود است اما در گزینه‌ی چهارم، عکس این موضوع دیده می‌شود ← گزینه‌ی چهارم
- ۳- مفهوم محوری تست: با بدان، بد بودن (مفهوم ۴ ادبیات تعلیمی) ← گزینه‌ی سوم
 معنای بیت چهارم: مرا عاشق خود کردی و آن‌گاه به نگهبان (رقیب) بدخلق و تندخویت گفתי که من عاشقت شده‌ام (تا نگهبانت مرا از تو دور کند و بیازارد). اما من دیگر عاشق تو شده‌ام و از هیچ‌کس و هیچ‌چیز پروایی ندارم.
- ۴- مفهوم محوری تست: فناء فی الله و «تو خود حجاب خودی» (مفهوم ۳۰ و ۳۱ ادبیات عرفانی) ← گزینه‌ی چهارم
- ۵- مفهوم محوری تست: غم پرستی (مفهوم ۳۲ ادبیات عاشقانه)
 می‌بینیم که در گزینه‌ی دوم غم از شادی عزیزتر است و در گزینه‌ی چهارم، شاعر غم را شایسته‌ی هر دلی نمی‌داند. (پس غم عزیز و ارزشمند است).
 معنای بیت سوم: گمان نکن که آسودگی در نداشتن غم است که اگر یک غم در جهان باشد همان بی‌غمی است. (نداشتن غم، تنها رنج و غم واقعی در جهان است).
 معنای بیت اول: سوگند به خدا که اگر به لطف او تکیه کنید غم نمی‌تواند به شما حمله‌ور شود (در این جا غم منفی است و باید از او دوری جست) ← انتخاب گزینه‌ی اول نشانه‌ی درک ادبی شماس است!
- ۶- مفهوم محوری تست: اعتقاد به قضا و قدر و جبرگرایی (مفهوم ۴۵ ادبیات تعلیمی) ← گزینه‌ی چهارم
 (مفهوم این گزینه بی‌توجهی به دنیا و آخرت است؛ یعنی مفهوم ۳۵ ادبیات عرفانی).

۱- باید متوجه می‌شدید که مصراع دوم این بیت، پرسشی منفی (استفهام انکاری) است.

پرسش: کدام گزینه، یادآور ضرب‌المثل «خدا گر ز حکمت ببندد دری / ز رحمت گشاید در دیگری» است؟^۱

۷- مفهوم محوری تست: از ماست که بر ماست (مفهوم ۴۷ ادبیات تعلیمی) ← **گزینه‌ی اول**

۸- گزینه‌های اول، دوم و چهارم، به ترتیب نرم‌خویی و شکیبایی، فروتنی و داشتن اخلاق نیکو را ستایش می‌کنند؛ پس با عبارت متن تست تناسب مفهومی دارند.

معنای بیت سوم: تنها خداست که می‌تواند گره از کار تو باز کند. به خدا که از انسان‌ها هیچ‌کاری برای کمک به تو بر نمی‌آید ← **گزینه‌ی سوم**

۹- مفهوم محوری تست: راز دل را بر زبان نیاوردن (مفهوم ۳۴ ادبیات تعلیمی)

مفهوم بیت دوم: خاموشی و گوشه‌گیری باعث کشف شدن حقایق بر انسان می‌شود ← آفرین بر شما که **گزینه‌ی دوم** را انتخاب کرده‌اید!^۲

۱۰- مفهوم محوری تست: واقعیت انسان روح است نه جسم ← **گزینه‌ی اول**

این دو بیت نیز یادآور همین مفهوم‌اند:

کیست در دیده که از دیده برون می‌نگرد / یا چه جان است، نگویی، که منش پیرهنم؟
در اندرون من خسته‌دل ندانم کیست / که من خموشم و او در فغان و در غوغاست

منسوب به مولانا

حافظ

۱۱- مفهوم محوری تست: سررشته‌ی همه‌ی کارها به دست خداست. (مفهوم ۴۴ تعلیمی) ← **گزینه‌ی سوم**
(معنای «چه» در بیت آخر چیست؟)^۳

۱۲- مفهوم محوری تست: رازداری عارفانه (مفهوم ۳۲ ادبیات عارفانه) ← **گزینه‌ی اول**

۱۳- مفهوم محوری تست: بسامان شدن اوضاع و به پایان رسیدن ناامیدی (مفهوم ۴۸ ادبیات عارفانه)؛ این مفهوم به روشنی در بیت‌های اول و دوم دیده می‌شود.

معنای بیت سوم: (در این جا «شد» یعنی «رفت»، «گذشت») گذشت آن دورانی که صاحب‌نظران و خردمندان در حاشیه بودند و با آن که سخن‌های بسیار داشتند، سخنی نمی‌گفتند.

معنای بیت چهارم: در نوای موسیقی، سخنانی را بیان می‌کنیم که نگفتن آن‌ها درونمان را پر آشوب می‌کرد.
← آفرین بر شما که **گزینه‌ی چهارم** را انتخاب کرده‌اید!

۱- پاسخ: گزینه‌ی اول (باضیا: روشن؛ ضیا: روشنایی)

۲- در پاسخ کلیدی سایت سازمان سنجش در سال ۸۶ همین گزینه انتخاب شده بود اما در کتاب ادبیات فارسی سازمان سنجش گزینه‌ی اول انتخاب شده که به گمان من اشتباه از سوی پاسخ‌دهنده‌ی محترم است.

۳- پاسخ: «چرا»؛ پس در هر دو مصراع پرسش منفی داریم.

۱۴- مفهوم محوری تست: درویشی و قناعت^۱ مایه‌ی شادی عارفان است. (دولت فقر، مفهوم ۳۷ ادبیات عرفانی) معنای بیت چهارم: اگر به خواست خودت به خانه‌ای محقر قناعت کنی می‌بینی که آسایش این کار کم‌تر از زندگی خانه‌ی آراسته و مجلل نیست ← گزینه‌ی چهارم

۱۵- مفهوم محوری تست: عشق مایه‌ی کمال وجود انسان است. (مفهوم ۱۳ ادبیات عرفانی) معنای بیت دوم: تو مانند خورشید هستی و من ذره‌ای ناتوان که محو تماشای توام اما از تو بسیار فاصله دارم ← انتخاب گزینه‌ی دوم نشانه‌ی دقت و نکته‌بینی شماست!

۱۶- مفهوم محوری تست: بر باد رفتن عمر برای عاشق مهم نیست. (نزدیک به مفهوم ۲ ادبیات عاشقانه)؛ در گزینه‌ی سوم هم دقیقاً همین مضمون دیده می‌شود.

۱۷- مفهوم بیت متن تست: نباید دست نیاز به سوی حاکمان ناجوانمرد دراز کرد. مفهوم بیت سوم: نباید از کسی به جز خدا کمک خواست و ... ← گزینه‌ی سوم

۱۸- مفهوم محوری تست: میل به بازگشت به سوی خدا (مفهوم ۱۹ ادبیات عارفانه) معنای بیت دوم: هم‌چنان‌که مادر کودک همیشه به دنبال کودک خود است، اصل هر چیز نیز در پی فرع آن است (حدوداً عکس مفهوم آیه‌ی مورد نظر است) ← انتخاب گزینه‌ی دوم نشانه‌ی هشیاری و دقت شماست!

۱۹- مفهوم محوری تست: دل گرمی به لطف و عنایت دوست؛ این مفهوم در بیت‌های الف، ب، هـ، ز دیده می‌شود؛ بنابراین گزینه‌ی چهارم تنها گزینه‌ی مناسب این تست است.

۲۰- مفهوم محوری تست: خداوند روزی بندگان خطاکار خود را قطع نمی‌کند. ← گزینه‌ی دوم

۲۱- ترجیح صحبت بر عزلت = دوری از گوشه‌گیری ← گزینه‌ی سوم (در این گزینه، شاعر آشکارا گوشه‌نشینی را برگزیده است).

۲۲- در بیت صورت سؤال، «دل» مجاز از احساسات است. در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ نیز «هوا» در همین معنا به کار رفته است و در نقطه‌ی مقابل خرد قرار گرفته است اما در گزینه‌ی سوم، «هوا» در معنای آسمان آمده است!

۲۳- مفهوم واژگونه شدن اوضاع و قدرت یافتن بدی‌ها و ناراستی‌ها (که یادآور حکومت ضحاک و ضحاکیان است) در بیت‌های الف، ج و هـ دیده می‌شود. ← گزینه‌ی نخست

۲۴- «بی‌خبر» در گزینه‌ی اول به معنی «ناآگاه» آمده و مفهومی منفی دارد در حالی‌که در سه گزینه‌ی دیگر به معنای «بی‌خود و سرمست» است و مفهومی کاملاً مثبتی از آن برمی‌آید.

۱- فقر اختیاری، یعنی به اختیار خود فقیرانه زندگی کردن

۲۵- شاعر در بیت اول می‌گوید که تو پای (توان) درآوردن پا از این گل (مادیات) را نداری. در بیت دوم نیز انسان دل‌بسته به دنیا را هم‌چون گیاه پابند خاک می‌داند (شبیبه همان «گون» در شعر «به کجا چنین شتابان»). در بیت چهارم نیز شاعر می‌گوید زندگی تو وابسته به این گل (جسم مادی) است که همین موضوع حرکت و پویایی‌ات را بسیار مشکل کرده‌است. همان‌طور که می‌بینید در هر سه بیت وابستگی به دنیای مادی موجب درماندگی شده‌است؛ اما معنای بیت **گزینه‌ی سوم** چیز دیگری است:

هر که توانایی دارد، در پی کسب روزی خودش است (یا باید باشد). برای کسی دل‌سوزی کن که ناتوان و عاجز است. (می‌بینید که در این بیت، وابستگی و تعلق به مادیات، مایه‌ی ناتوانی و درماندگی نیست، بلکه ناتوانی ذاتی و ناگزیر، موجب درماندگی است و به‌همین دلیل چنین فردی درخور دل‌سوزی و یاری است.)

۲۶- حتماً یادتان هست که مفهوم عبارت صورت سؤال، تقابل تشریح و عرفان بود؛ یعنی عارفان از توجه متشرعان به امور ظاهری بیزارند و آن را به‌هیچ رو نمی‌پسندند. بر همین اساس طراح محترم این تست، بیت‌های دوم تا چهارم را که در نکوهش ظاهرسازی و ظاهرپرستی است متناسب با این عبارت دانسته. البته بدون توجه به عبارت صورت سؤال، ساده‌تر می‌شد به تضاد مفهومی بیت **گزینه‌ی نخست** و سه بیت بعدی پی‌برد.

معنای بیت اول: از ظاهر هرکسی می‌توان باطن او را تشخیص داد هم‌چنان‌که از جنس قبای هرکس می‌توان حدس زد که چه نوع پیراهنی در زیر آن به‌تن دارد.

۲۷- مفهوم محوری تست: عشق امانت الهی است. (مفهوم ۱۶ ادبیات عرفانی)

معنای بیت اول: هم‌چنان‌که شیشه‌گر، توان آهنگری ندارد، آسمان هم تحمل بار عشق را ندارد (و فقط انسان است که می‌تواند آن را به دوش بکشد).

معنای بیت دوم: عظمت عشق در وصف نمی‌آید و چرخ (آسمان) شکار چنگال عقاب عشق است. (پس آسمان طاقت عشق را ندارد.)

معنای بیت سوم: اگر ادعای عاشقی داری، خود را بسنج و ببین که آیا تحمل به دوش کشیدن این همه بلا و سختی را داری.

معنای بیت چهارم: خودبینی و غرور مانند بت (صنم) است و کمال مردانگی، شکستن بت خودپرستی است ← بین این گزینه‌ها، **گزینه‌ی چهارم** هیچ ارتباطی با عبارت متن تست ندارد و می‌تواند پاسخ این تست باشد.

۲۸- مفهوم محوری تست: ناپایداری دنیا و دل‌ن بستن به آن (مفهوم ۲۳ ادبیات تعلیمی و ۲۶ ادبیات عرفانی)

معنای بیت اول: بنده، خوب تو را می‌شناسم و می‌دانم اهل بخشش و کرم نیستی ← **گزینه‌ی اول**

۲۹- مفهوم محوری تست: عیب‌پوشی عاشقانه (مفهوم ۳۷ ادبیات عاشقانه) ← **گزینه‌ی سوم**

(در بیت دوم، «زانی» یعنی چه؟^۱)

۳۰- حرف «و» در بیت متن تست به معنای «با» و «به همراه» است؛ یعنی همان واو همراهی (مورد ۶، بخش سوم، فصل اول) ← انتخاب گزینه‌ی اول نشانه‌ی آن است که خوب مطالب این کتاب را دوره کرده‌اید.

فسته نباشیدا بهتر است یک بار، دست کم اشتباهاتتان را در آزمون‌های قبلی (و همچنین اگر لازم است، مجموعه‌ی تست فصل دوم) دوره کنید و بعد به سراغ آزمون پایانی بروید.

۱- زانی: به آن خاطر هستی؛ عیب‌بین زانی که تو عاشق نه‌ای: به آن خاطر عیب‌بین هستی که عاشق نیستی.

پاسخ تحلیلی آزمون پنجم

- ۱- مفهوم محوری تست: نصیحت‌ناپذیری عاشق
معنای بیت سوم: پندهای سعدی کلید گشودن گنج خوشبختی است و اگر تو این پندها را بپذیری گوی پیروزی از میدان زندگی ربوده‌ای (به پیروزی رسیده‌ای). ← گزینه‌ی سوم
- ۲- مفهوم محوری تست: مقام و منصب ارزش وجود کسی را بالا نمی‌برد. (نظیر تست ۸ ادبیات تعلیمی است).
معنای بیت نخست: حتی اگر کلاغ سیاه بتواند باغ را از چنگ بلبل درآورد، نمی‌تواند مانند او، آواز (دستان) بخواند و نغمه‌های دلکش (الحان) سر دهد. ← گزینه‌ی دوم
- ۳- مفهوم محوری تست: ازلی بودن عشق
مفهوم بیت گزینه‌ی نخست: از خودبی خود شدن و رازداری عارفانه
(هر چهار بیت در کتاب تناسب مفهومی آمده‌است). ← گزینه‌ی نخست
- ۴- مفهوم محوری تست: از خودگذشتگی و بخشیدن داشته‌های خود به دیگران
البته بیت اول و دوم و سوم نیز از بخشش و سخا سخن می‌گویند اما این مفهوم در بیت چهارم بسیار برجسته‌تر است و به ایثار نزدیک می‌شود، زیرا مور با آن همه ضعف و ناچیزی حاضر است مُلک سلیمان را به دیگران ببخشد و برای خود نخواهد. (تست کمی سلیقه‌محور طراحی شده‌بود). ← گزینه‌ی چهارم
- ۵- در گزینه‌ی نخست، اسفندیار رستم را به‌خاطر کشته‌شدن پسرانش، نوش‌آذر و مهرنوش، به دست زواره و فرامرز، سرزنش می‌کند و این، نشانه‌ی درد و رنج‌گویی است. اما در سه بیت دیگر لحن اسفندیار تمسخرآمیز و تحقیرگرانه است. (به پرسشی بودن بیت چهارم توجه کنید؛ اسفندیار می‌گوید واقعاً تو همانی هستی که می‌گفتی...!) ← گزینه‌ی نخست
- ۶- مفهوم مشترک دو بیت گزینه‌ی نخست: هنرمندان نباید در برابر بی‌هنران، هنر خود را عرضه کنند.
مفهوم مشترک دو بیت گزینه‌ی دوم: زبان را داده‌اند که سخن بگوییم!
معنای بیت نخست گزینه‌ی دوم: زبان مانند کلیدی است که گنجینه‌ی فکر فرهیختگان و دانایان را در اختیار ما قرار می‌دهد.
معنای بیت دوم گزینه‌ی دوم: سخن نگفتن فردی نیک‌اندیش و دانا، زیبا و شایسته نیست.
مفهوم بیت نخست گزینه‌ی سوم: ۱- بمیرید پیش از آن‌که میرانده شود. ۲- دلی که عاشق نباشد، دل نیست.
مفهوم بیت دوم گزینه‌ی سوم: نترسیدن از مرگ (مرگ باعث می‌شود که از جنبه‌ی مادی وجودمان خلاص

شویم.

(البته مفهوم این دو بیت خیلی از هم دور نیستند و می‌توان این تست را کمی غیراستاندارد به حساب آورد.)

مفهوم مشترک دو بیت گزینه‌ی چهارم: مشغول نشدن به دنیای مادی زودگذر ← گزینه‌ی سوم

۷- بیت پاسخ به همراه بیت صورت سؤال، عیناً در صفحه‌ی ۲۶ جلد اول کتاب همایش ادبیات همراه با توضیح آمده‌بود! ← گزینه‌ی چهارم

۸- مفهوم محوری تست: زیادی و فراوانی دلیل بر ارزشمندی نیست.

مفهوم بیت دوم: باید سختی‌های بسیاری را تحمل کنی تا به خواسته‌هایت برسی.

معنای بیت چهارم: اگرچه ستارگان می‌تابند اما آن همه ستاره نمی‌توانند مانند یک خورشید گرمابخش و

روشن‌کننده باشند. ← گزینه‌ی دوم

۹- مفهوم محوری تست: خودداری نکردن از دیدن چهره‌ی زیبارویان

(به این مفهوم در صفحه‌ی ۱۶ جلد اول همایش ادبیات اشاره شده‌است.)

معنای بیت سوم: اگر تو منکر نظربازی و نگرستن به زیبایی‌های آفرینش هستی، من می‌گویم که اصلاً خدا

چشم را برای همین کار آفریده‌است! ← گزینه‌ی سوم

۱۰- مفهوم مشترک سه گزینه‌ی دیگر: شکایت از نارفتی یاران و بی‌مهری دوستان.

مفهوم بیت گزینه‌ی نخست: ستایش بخشش و جوانمردی («ورادی» باید با فاصله‌ی میان‌واژه‌ای به شکل «و

رادی» تایپ می‌شد، اما در دفترچه‌ی کنکور به همین شکل آمده‌بود!) ← گزینه‌ی نخست

۱۱- مفهوم محوری تست: بریدن از دنیا ← گزینه‌ی سوم

پرسش:

۱- در گزینه‌ی نخست «به» چه معنایی می‌دهد؟

۲- «درنگرفت» در بیت سوم به چه معناست؟

۳- در کدام بیت جناس تام به چشم می‌خورد؟

۴- مفهوم عرفانی بیت چهارم چیست؟

پاسخ: ۱- با، با وجود، ۲- تأثیر نکرد، فایده‌ای نداشت (کوشش‌هایمان برای رسیدن به مقصود در این دنیا

بی‌فایده و بی‌تأثیر بود). ۳- بیت دوم (چون)، ۴- همه چیز را زیبا دیدن

۱۲- مفهوم محوری تست: تن دادن به سختی‌ها و پریشانی‌ها برای رسیدن به خواسته‌ها

معنای بیت دوم: از عشق‌رهایی نیست.

معنای بیت صورت پرسش: از به هم ریختن اوضاعی که به آن عادت داری، نه‌راس زیرا در همین پریشانی‌ها

می‌توانی به خواسته‌های بزرگت برسی (وقتی همه چیز بر یک منوال باشد که آرزویی برآورده نمی‌شود و همه

چیز همیشه همان‌طور خواهد ماند که بود!) و بین که من چگونه در میان پریشانی‌ها (منظورِ حافظ پریشانی گیسوانِ معشوقش است) به این خاطر جمعی و آسودگی رسیدم! (سر در میانِ گیسوان پریشان یار کرده‌است و ما را نصیحت می‌کند، که از پریشانی‌ها ترسیم!) ← **گزینه‌ی دوم**

۱۳- مفهوم محوری تست: وصف ناپذیر بودن خداوند

معنای بیت نخست: دهان تو به حدی ظریف و کوچک است که تا لب به سخن باز نکنی نمی‌توان فهمید که تو لب و دهان هم داری و نمی‌شود آن را توصیف کرد!
(اغراق در کوچکی دهان یار که احتمالاً در بخش اغراق کتاب همایش ادبیات با آن آشنا شده‌اید.)
معنای گزینه‌ی سوم: هیچ صفتی که درباره‌ی دنیای مادی کاربرد داشته‌باشد، نباید در وصف خدا به‌کار گرفته شود؛ پس نباید گفت که خداوند بوده است یا هست یا باید باشد، زیرا این گفته‌ها در مورد جهان مادی مصداق دارد نه در مورد خدا ← خدا وصف‌ناپذیر و برتر از ذهنیات ماست. (این بیت در تست ۴۳ ادبیات تعلیمی آمده‌بود.) ← **گزینه‌ی نخست**

۱۴- مفهوم محوری تست: والامقامی درویشان

معنای بیت سوم: هم‌چنان که کسی سایه را نمی‌گذارد و به زیر آفتاب نمی‌رود، گدایی درگاه خدا هم بسیار مقام برتری است تا پادشاهی جهان.
معنای بیت چهارم: گدایان آن‌قدر در خواسته‌ی خود سماجت می‌کنند که همه از رویارویی با آن‌ها گریزانند، پس اگر یک گدا سرلشکر مسلمانان شود، احتمالاً فرماندهی لشکر کافران از ترس او تا چین خواهد گریخت!
(سرزنش خواهندگی و گدایی) ← **گزینه‌ی سوم**

۱۵- (بدون توضیح!) ← گزینه‌ی چهارم

۱۶- مفهوم محوری تست: تحمل سختی‌ها و خوش‌داشتن بیداد یار (گزینه‌های ۲ و ۳ در مفهوم ۳۰ ادبیات عاشقانه مطرح شده‌بود.)

معنای بیت چهارم: اگر دلیل دورماندن ما بندگان از تو ای خدای بزرگ، بندگی ناشایست ماست، تو نباید پاسخ بدی ما را با بدی بدهی (چون تو بزرگواری، بر ما ببخش و ما را از خود نران) ← **گزینه‌ی چهارم**

۱۷- مفهوم مشترک گزینه‌ی نخست: وفاداری عاشق و بی‌وفایی معشوق

مفهوم مشترک گزینه‌ی دوم: رسوایی عشق و نصیحت‌ناپذیری عاشق

مفهوم مشترک گزینه‌ی چهارم: عیب‌پوشی عاشقانه

مفهوم بیت نخست گزینه‌ی سوم: لزوم تحمل سختی‌ها برای رسیدن به مقصود

مفهوم بیت دوم گزینه‌ی سوم: هر چه از دوست می‌رسد نیکوست (یا عشق دورادور) ← **گزینه‌ی سوم**

۱۸- مفهوم محوری تست: دوری از هم‌نشین بد

معنای بیت دوم: ای خردمند از دوستی که با دشمنانت رفت و آمد دارد، دست بشوی ← دوستِ دشمنانِ ما دیگر دوست ما نیست.

تست زیبایی نیست؛ زیرا بیت دوم هم با بیت‌های دیگر هم‌خوانی دارد و دور از آن‌ها نیست. ← گزینه‌ی دوم

۱۹- (اگر بدون توجه به بیت متن پرسش، چهار گزینه را با هم مقایسه کنیم، کار ساده‌تر می‌شود!)

مفهوم محوری تست: عشق بیان‌کردنی نیست.

مفهوم بیت سوم: رازداری عارفانه ← گزینه‌ی سوم

۲۰- (باز هم بدون توجه به بیت صورت سؤال بهتر می‌شد به نظر طراح محترم پی برد!)

مفهوم مشترک گزینه‌های ۲، ۳ و ۴: سفارش به تلاش و کوشش و کار

مفهوم بیت نخست: سفارش به فروتنی

(طراحی محترم در معنا کردن جمله‌ی «به میدان باش» دچار اشتباه شده‌اند؛ در این جا «به میدان بودن» نه کنایه از

کارکردن بلکه کنایه از «بیکارکردن با نفس اماره» است که پیروزی در این میدان باعث پیروزی انسان در تمام

جوانب زندگی می‌شود.) ← گزینه‌ی نخست

۲۱- مفهوم محوری تست: ارزش سخن راست^۱

مفهوم بیت سوم: تفاوت ذاتی انسان‌ها با یکدیگر ← گزینه‌ی سوم

۲۲- مفهوم محوری تست: همین‌که انسان‌های بدکار به ما شر نرسانند، لطف کرده‌اند!

(این مفهوم در صفحه‌ی ۴۳ کتاب همایش ادبیات، جلد دوم بررسی شده‌بود.) ← گزینه‌ی سوم

۲۳- مضمون مشترک سه بیت دیگر: پیام‌رسانی باد صبا

در بیت چهارم، باد صبا نیز عاشق سرگردانی است هم‌چون خود شاعر. (تست زیبایی بود!) ← گزینه‌ی چهارم

۲۴- مفهوم محوری تست: جان‌فشانی عاشق

مفهوم بیت اول: بی‌توجهی عاشق به سرزنش (دم‌سردی) طعنه‌زنندگان و منکرانِ عشق. ← گزینه‌ی نخست

۲۵- (بدون توضیح!) ← گزینه‌ی نخست

۲۶- واقعاً این تست‌ها برای شما که کتاب تناسب مفهومی را به دقت خوانده‌اید، نیازی به توضیح دادن ندارد،

قبول دارید؟ ← گزینه‌ی سوم

۲۷- مفهوم محوری تست: بازگشت به سوی خدا (این تست‌ها دیگر برای شما حکم جدول ضرب را دارد!)

مفهوم بیت گزینه‌ی نخست: دولت فقر ← گزینه‌ی نخست

۱- شتر می‌خواهد به دروغ بگوید که از حمام می‌آید اما ستبری و کثیفی زانوی او گواه روشنی است بر دروغ گفتنش!

۲۸- مفهوم محوری تست: خود را هیچ انگاشتن و فناء فی الله
مفهوم بیت چهارم: عقل توان دیدن و فهم ذات خداوند را ندارد. (در ادبیات فارسی «حضرت موسی» نماد عقل‌گرایی است و «حضرت عیسی» نماد عشق و محبت) ← گزینه‌ی چهارم

۲۹- گفتیم در هر بیتی که به باورها یا آیین‌های ایران باستان اشاره شده‌باشد، جنبه‌ی ملی وجود دارد.
در گزینه‌ی دوم به آیین نوروز جمشیدی اشاره شده‌است و در گزینه‌ی چهارم هم به آیین تاج‌گذاری پادشاهان کیانی. حالا میان گزینه‌های ۱ و ۳ باید انتخاب کنیم؛ در گزینه‌ی سوم، اشاره به درفش (پرچم) که نمادی ملی است، اندکی زمینه‌ی ملی پدیدمی‌آورد اما گزینه‌ی چهارم آشکارا جنبه‌ی خرق عادت حماسه را نشان می‌دهد.
← گزینه‌ی نخست

۳۰- مفهوم محوری تست: بردباری و شکیبایی
مفهوم مشترک سه بیت دیگر: با بدان بد بودن ← گزینه‌ی چهارم

۳۱- مفهوم محوری تست: امیدواری
«امید خود را از دست ندادن» در سه گزینه‌ی دیگر یک مفهوم «تعلیمی» است، اما بیت گزینه‌ی دوم آشکارا بیتی عاشقانه است و همین تفاوت حوزه‌ی عاطفی و ادبی دلیل اصلی انتخاب گزینه‌ی دوم است. (تست فنی و سنجیده‌ای بود.) ← گزینه‌ی دوم

۳۲- مفهوم محوری تست: بردباری در برابر بدی دیگران (بدی را با خوبی پاسخ دادن)
مفهوم گزینه‌ی دوم: امیدواری به بخشایش خداوند. ← گزینه‌ی دوم

۳۳- مفهوم محوری تست: بی‌خبری و مدهوشی عارفانه
مفهوم بیت سوم: بی‌توجهی عاشق به سرزنش دیگران ← گزینه‌ی چهارم

۳۴- (بدون توضیح!) ← گزینه‌ی سوم

۳۵- مفهوم محوری تست: از ماست که بر ماست. (در بیت دوم «نیک بد کردم» یعنی «بسیار بد کردم».) ←
گزینه‌ی چهارم

۳۶- کشف این نکته که مضمون مشترک سه بیت دیگر «پیغام‌رسانی باد صبا میان عاشق و معشوق» است، کار دشواری است، که تاحدی به گنگ‌بودن صورت سؤال مربوط می‌شود. همانند این پرسش در گروه زبان‌های خارجی (تست ۲۳) نیز مطرح شده‌است، اما با صورتی روشن‌تر و به‌دور از ابهام. ← گزینه‌ی سوم

۳۷- مفهوم دو بیت صورت تست: هرکسی امکان تغییر و پیش‌رفت دارد.
مفهوم بیت‌های ۱، ۳ و ۴: اصالت ذات (مقام و جایگاه ذات کسی را دگرگون نمی‌کند).

حدوداً این مفهوم در تقابل با مفهوم بیت‌های صورت سؤال است.

مفهوم بیت دوم: زیردستان نباید ضد زیردستان قیام کنند! ← **گزینه‌ی دوم**

۳۸- مفهوم رایج «ناپایداری قدرت دنیایی» در گزینه‌های ۱ تا ۳ و عبارت صورت سؤال به‌روشنی به‌چشم می‌خورد، اما مفهوم بیت چهارم به‌حدی گنگ است که شاید بسیاری از دانش‌آموزان را از انتخاب آن به‌عنوان پاسخ سؤال منصرف کرده‌باشد. البته این بیت خاقانی در آزمون‌های چند سال پیش تعاونی سازمان سنجش هم مطرح شده‌بود، با این حال این موضوع دلیل قانع‌کننده‌ای نیست که متوقع باشیم یک دانش‌آموز رشته‌ی ریاضی باید آگاه باشد که بیت «پرویز به هر بومی زرین‌تره آوردی / کردی ز بساط زر، زرین‌تره را بستان» به یکی از علاقه‌های غذایی جناب خسرو پرویز (علاقه به خوردن تره با سایر خوراکی‌ها) اشاره دارد نه ناپایداری پادشاهی او! (در بیت نخست «رژبن» یعنی گیاه انگور.) ← **گزینه‌ی چهارم**

۳۹- **مفهوم محوری تست:** والامقامی درویشان ← **گزینه‌ی دوم**

۴۰- مفهوم بیت صورت سؤال: گوشه‌گیری و سکوت مایه‌ی سربلندی است. ← **گزینه‌ی نخست**

مفهوم بیت گزینه‌ی نخست: نباید غیبت کرد.

مفهوم بیت گزینه‌ی دوم: سفارش به سکوت

مفهوم بیت گزینه‌ی سوم: کم‌گویی و گزیده‌گویی

مفهوم بیت گزینه‌ی چهارم: گوشه‌گیری و درخود فرورفتن

خُب، فقط به این خاطر باید گزینه‌ی نخست را انتخاب کرد که از گزینه‌های دوم و سوم غلط‌تر است!

۴۱- باز هم فقط به این دلیل گزینه‌ی نخست انتخاب شده که سه گزینه‌ی دیگر بیش از آن، با بیت صورت

سؤال نامتناسب هستند! ← **گزینه‌ی نخست**

من، بیت «بیزارم از وفای تو یک روز و یک زمان / مجموع اگر نشستم و خرسندم اگر شدم» را این گونه معنا می‌کنم:

اگر بدون بودن درکنار تو، یک روز یا حتی یک لحظه مرا آسوده‌خاطر و راضی یافتی، می‌توانی فرض کنی که من نسبت به تو بی‌وفایم؛ و از آن جا که هرگز شاعر نمی‌خواهد معشوق او را بی‌وفا بداند؛ منظور اصلی سعدی این است که عاشق بدون معشوق حتی یک لحظه هم آرام و قرار ندارد (کتاب درسی نیز در توضیحاتش بیت را همین گونه تفسیر کرده‌است). این مضمون در سروده‌های سعدی بسیار به چشم می‌خورد؛ از جمله‌ی این بیت زیبا: بی‌تو در دامن گلزار نخفتم یک شب / که نه در بادیه‌ی خار مغیلان بودم

اما منظور شاعر در بیت گزینه‌ی نخست، تأکید بر وفاداری عاشق است نه بی‌قراری و ناخرسندی او در فراق یار.

۴۲- **مفهوم محوری تست:** عشق مایه‌ی کمال وجود انسان است.

مفهوم بیت نخست: مستی عشق

مفهوم بیت دوم: تقابل عقل و عشق (درون پرده‌ام: به خلوت معشوق راه یافته‌ام).
مفهوم بیت سوم: با خوبان خوب بودن و با بدان بد بودن. (دی‌صفت: مانند دی‌ماه سرد و زیانبار) ← گزینه‌ی

چهارم

فسته نباشید، پاسخ دادن به ۳۰ تست از این میان، نشانه‌ی وضعیت خوب شما در این مبحث مهم ادبیات فارسی است.